

راه توده

شهره‌ها دران حزب توده ایران در طرح از کشور

جمعه ۲۷ آبان ۱۳۶۲ مطابق
۱۸ نوامبر ۱۹۸۳
سال دوم، شماره ۶۸
هفتاد و دو هزار

باتشکیل جبهه متحد خلق، خطر حتمی و جدی آمریکا را خنثی سازیم!

اوضاع در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس همچنان حساس و بحرانی است. امپریالیسم آمریکا تجمع و آرایش نیروهای نظامی خویش را در لبنان و مرزهای زمینی و دریایی سوریه، تا سطح بیسابقه‌ای افزایش داده است. در خلیج فارس نیز نقل و انتقالات نظامی، رویه تزیین است. در هفته گذشته یک رزم ناو بزرگ به همراه یک ناو شکن آمریکایی، برای دیدار "دوستانه‌ای" به بندر دوی - در مجاورت تنگه هرمز - وارد شدند. سخنگویان امپریالیسم، از قول مقامات عراقی در هفته‌های اخیر اظهار می‌دارند:

"بنظر می‌رسد که بمباران تأسیسات نفتی ایران در خلیج فارس تنها و آخرین راه خاتمه جنگ سه ساله دو کشور می‌باشد."
و از قول مقامات دیپلماتیک غرب می‌افزایند:
"در صورتیکه ایالات متحده، علیه سوریه دست به اقدام تلافی جویانه بزند، عراق نیز موقعیت را پس‌برای بمباران تأسیسات نفتی ایران در جزیره خارک مغتتم خواهد شمرد" (رادیو اسرائیل ۱۸ آبان ۶۲).
بقیه در صفحه ۲

متحد شویم! در دفاع از انقلاب بیا خیزیم!

فرخ نگهدار، دبیر اول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در صفحه ۸ بخش دوم

هنوز هم "نصیحت" و "موعظه"!!

همزمان با تنگ تر شدن حلقه فشار امپریا - لیسم در منطقه خلیج فارس، که بمنظور قبضه کردن تمام و کمال اراده نیروهای تسلیم شده حاکمیت چ ۱۰۱۰ و ارباب مسلمانان صادق در رده‌های پایین تر حاکمیت اعمال می‌شود، فشار ارتجاع داخلی نیز بر این نیروها افزایش یافته است. در این مورد از جمله سخنان آیت‌الله العظمی منتظری نمونه وار است. او در دیدار با جمعی از ائمه جمعه اصفهان و چهار محال بختیاری اظهار کرد:

"در حالیکه ما، امروز مواجه با کمبود نیرو هستیم و باید امروز نیروهای لایق را به جای دفع، جذب کنیم... ولی متأسفانه دیده می‌شود که جریانی یا خطی در بعضی ارگانها مانند آموزش و پرورش و یا در بازار و دیگر ارگانها، یا از روی جهالت و ندانم کاری و یا خدای نا - کرده از روی شیطنت، دست به این کارها می - زنند..."

این همسویی و همزمانی یورش امپریالیسم و ارتجاع داخلی پدیده قانونمندی است، که در واقع جز کوبیدن میز بر تابوت انقلاب بر باد داده شده ملی - دمکراتیک ۲۲ بهمن مسأله معنای دیگری ندارد.

امپریالیسم و ارتجاع داخلی، با اعمال سیاست روشن و اعلام شده خود، که هم از زبان برژینسکی اعلام شده بود و هم از زبان مسلمان نمایانی از نوع "حجت الاسلام موسوی آمریکایی، در راه دست یابی به اهداف خود موفقیت‌های چشمگیری بدست آورده است. برژینسکی خواسته بوده که با تشدید تبلیغات در باره "کمونیستی" شدن ایران، نفوذ "مسکو" و بقیه در صفحه ۶

چگونه "ساواک"، بدست لیبرالها بازسازی و بوسیله تسلیم طلبان قظیر شد

دروغ، ریا و تزویر در موضعگیریهای مختلف سردمداران آن بیشتر و بیشتر می‌گردد. از این روست که حاکمان چ ۱۰۱۰ بی قانونی و خفقان قرون وسطی را امنیت و بقیه در صفحه ۴

هر قدر که فاصله، چاکمیت چ ۱۰۱۰ از خواست ها و منافع توده‌ها بیشتر می‌شود و هر قدر شتاب خیانت سردمداران چ ۱۰۱۰ بیشتر انقلاب و وابستگیشان به امپریالیسم سریع تر می‌گردد، دامنه عوامفریبی،

همبستگی حزب کمونیست ترکیه با حزب توده ایران

شرایط سخت دوران خفقان، علیه استبداد سلطنتی و نفوذ امپریالیسم در کشور مبارزه کرده است. سهم مبارزین توده‌ای در پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ و سپس تلاشهای پیگیر آنان در حفظ دستاوردهای انقلاب، بر همگان روشن است. از اینرو در شرایطی که ارتجاع در ایران به سرکوب بقیه در صفحه ۳

کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه، طی صدور اعلامیه‌ای در همبستگی با حزب توده ایران و اعضای دربند آن، که تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار داشته و تعدادی از آنان تا کنون جان خود را از دست داده‌اند، از جمله اظهار می‌دارد:
"حزب توده ایران، بخاطر منافع زحمتکشان و طبقه کارگر ایران، سالیان دراز، در

دفاع از حزب توده ایران و ابراز همبستگی با توده‌ایهای دربند، به شعار مبرم محافل، احزاب و سازمانهای مترقی، بدل شده است!

در صفحه ۳

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

صفحه ۶، ۵، ۴

باقشکیل جبهه متحد خلق ، خطر حتمی و جدی آمریکا را خنثی سازیم!

بقیه از صفحه ۱
سردمداران ج ۱۰۱۰ ، با دست زدن به قمار خطی-رناکسی که ناگزیرند در سرراشیب سقوط به وابستگی ، بدان پناه برند ، در برابر این رویداد های نگران آوره همان سیاستی را پیش گرفته اند که مطلوب و پسند امپریالیسم است . یعنی با اتخاذ روش های تحریک کننده آنچنان زمینهای را فراهم می آورند که دخالت مستقیم نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه قابل توجیه باشد . هدف فشار و تهدید نظامی امروز ، و دخالت نظامی فردای آمریکا ، تأثیر گذاردن بر روند گسترش جنگ فرسایشی ایران و عراق ، تأثیر گذاردن بر روند تحولات داخلی دو کشور ، بسود منافع امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست .

حاکمیت ج ۱۰۱۰ در چنین شرایط حساسی واکنش های غیر مسئولانه و فلج کنند های از خود نشان می دهد . آنان با تحلیل ها و تفسیر های مختلف ، سرانجام به این نتیجه می رسند ، که گویا این تهدید چندان هم جدی نیست . آقای رئیس جمهور در مصاحبه مطبوعاتی بین المللی مهمی گفته اند :

" مدت هاست که سعی می شود احتمال دخالت نظامی مستقیم آمریکا در منطقه ، از جنجوا های مختلف ، با زبانهای گوناگون به ما برسد . ما این مطلب را بسیار دور از تصور می شماریم " (رادیو ایران ۱۹ آبان ۶۲)

چه چیز دور از تصور است ؟ اینکه رزم ناو ها و ناوشکن های آمریکایی در دهانه تنگه هرمز حاضر شد ه اند؟! اینکه امپریالیسم آمریکا ، تهدید جدی تجاوز به سوریه را به مرحله اجرا در می آورد . و از این رو بسیج نیروهای ذخیره ارتش سوریه و پشتیبانی قاطع اردوگاه سو سیالیسم و در مرکز آن اتحاد شوروی از این کشور انقلابی مراحل نهایی خود را طی می کند — اینکه ، حکام عراق ، که يد طولایی در بمباران شهر های بيد فاع ایران دارند ، با استفاده از حضور نظامی امپریالیسم آمریکا ، سوراخ ها را برای بمباران مناطق نفتی ایران بکار گیرند؟! شاید عملی کردن تهدید های حاکمیت ج ۱۰ مبنی بر بستن تنگه هرمز دور از تصور باشد!

آقای رئیس جمهور در يك جمله به تمام این سوالات پاسخ می دهند :
" بعید به نظر می رسد آمریکا حاضر باشد به پرتاب سنگ و سنگ اندازی با کسی دست بزند " (همانجا)
آری ، رئیس شورای عالی دفاع ج ۱۰ معتقد است ، امپریالیسم آمریکا که برای فتح نظامی جهان کمر بند اتنی بسته است ، گرنادای انقلابی را در اشغال دارد ، لبنان را با خاک یکسان

کرده و به سوریه دندان نشان می دهد ، مائل تر و رجیم تر از آنست که حتی تنگه سنگ ناقابلی به سوی کسی پرتاب کند ! اشتباه نباید کرد . رئیس جمهور اسلامی از نقل و انتقالات گسترده نظامی آمریکا در منطقه و تدارک سیاسی جهانی و داخلی حساب شده امپریالیسم آمریکا برای اعمال فشار نظامی بیشتر و دخالت نظامی مستقیم در خلیج فارس اطلاع دقیق دارد . برای او ، بعنوان پرچمدار سازش با امپریالیسم و ارتجاع ، رهبر سیاسی و تشکیلاتی تسلیم در برابر راستگرایان دوستدار امپریالیسم ، چاره ای جز این باقی نمانده است ، که در شرایطی که قساوت و بهیمیت و سبعیت " شیطان بزرگ " ، آشکارتر از هر زمان دیگری در معرض دید مردم ایران و جهان قرار گرفته ، به مثابه آوازه گرد ایست و دل رحمی امپریالیسم سخن گوید . او بعنوان رهبر نیروهایی ، که بر آنند باید در برابر امپریالیسم آمریکا " نرمش " نشان داد تا بر سر عقل آید و انقلاب اسلامی را " درک " کند ، در این شرایط حساس چه توضیح دیگری برای مردم ایران دارد که افشاگر و نفی کننده سیاست سازش و تسلیم دولت ج ۱۰ نباشد و چگونه می توانست تقاضای خویش و متحدانش را ، در برابر استعدای عقل و تدبیر و رحم به زبان دیپلماتیک به پیشگاه امپریالیسم آمریکا تقدیم نکند!

در واقع همین اظهارات ، بیانگر نخستین بازتاب های سیاسی افزایش فشار نظامی امپریالیسم آمریکا ، در حاکمیت راستگرای ج ۱۰ است . چنانکه پیش بینی می شد ، با نخستین موج شکننده فشار نظامی آمریکا ، پرچمداران سازش و تسلیم در حاکمیت ج ۱۰ ، به کرنش بیشتر در برابر امپریالیسم تن در داد ه اند ، و مانند همیشه دنباله روها و مشاطه گرگان سازش نیز از دیدگاه خویش به توجیه این کرنش نشست ه اند . آقای هاشمی رفسنجانی می گویند :

" آمریکا هم اگر به ایران حمله نمی کند به خاطر این است که می ترسد . . . آمریکا در باره ایران تمام کارهایی را که می توانسته است کرده است " (کیهان ۱۱ آبان ۶۲)!

اما در واقع رهبران ج ۱۰ بی اطلاع نیستند که در پی آمد سیاست های راستگرایانه و تسلیم طلبانه شان از بهمن ۶۱ به بعد ، تحولات فراوانی در میهن ما رخ داده است که طمع و امید امپریالیسم و ارتجاع را برای بدست آوردن امتیازاتی بیش از آنچه کسب کرده است ، افزایش داده است :

— گشوده شدن درها بروی امپریالیسم جهانی ، سلب حق حاکمیت از مجلس شورا ، ارباب اکثریت انقلابی مجلس ، تخلیق روح مردمی و مواد مرفقی قانون اساسی ، توقیف قاتسون اصلاحات ارضی و ملی شدن تجارت خارجی ،

تشدید بیسابقه اختناق و شکنجه و سرکوب نیرو های انقلابی و ادامه بیپرده جنگ خانمانسوز ایران و عراق زحمتکشان را روز بروز ناراضی تر و عاصی تر می کند . راستگرایان و تسلیم طلبان و قشربون حاکم که ایثارها و جانبازیها و قداکاری های مردم را به کار تثبیت منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان گرفته اند ، بیش از پیش اراده و توان بسیج توده ها را برای مقابله با یورش همه جانبه امپریالیسم از آنان سلب می کنند .

— کارگزاران امپریالیسم و ارتجاع داخلی ، با سرکوب همه جانبه نیروهای پیگیر انقلابی ، در تلاش آنند که متشکل شدن زحمتکشان زیر پرچم این نیروها را مانع شوند تا مبادا انارضایتی توده ها از حاکمیت ، به زرفش گرایش انقلابی در میان زحمتکشان پیاجامد . مانعت از تشکیل انقلابی توده ها ، امکانات امپریالیسم را برای وارد آوردن ضربات نهایی پریکر انقلاب گسترش داده است .

— امپریالیسم آمریکا در تهاجم عمومی اخیر خویش به جنبش های انقلابی مهابرت و سفاکی بیسابقه در اجرای نقشه کلاسیک " تفرقه بینداز و سرکوب کن ! " نشان داده است . در گزنادا شکاف در میان نیروهای انقلابی مقدمه اشغال نظامی بود ؟ در لبنان جنگ برادر کشی در صفوف سازمان آزاد بیخش فلسطین و جبهه مقاومت لبنان ، پیش در آمد دخالت نظامی عمومی شد و در میهن ما نیز ، از مدت ها پیش ، اجرای این نقشه جهنمی به رهبری مستقیم سازمانهای جاسوسی امپریالیستی ، قدم به قدم به مراخسل نهایی نزدیک می شود ؟ و نه تنها در میان پیروان سوسیالیسم علمی و مسلمانان انقلابی ، بلکه در میان مسلمانان انقلابی در رده های پائین حاکمیت و خارج از آن نیز تفرقه انداخته و توان مقاومت عمومی انقلاب را به شدت تحلیل برده است .

— در سطح جهانی ، اجرای " نقشه " پرزینسکی " بوسیله راستگرایان و تسلیم طلبان ، با تشدید افسار گسیخته جو کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی ، شکاف میان ج ۱۰ و جبهه جهانی ضد امپریالیستی پشتیبان انقلاب ، و در مرکز آن اتحاد جماهیر شوروی را گسترش داده است . تهاجم عمومی امپریالیسم در کانون های متعدد ، جبهه جهانی ضد امپریالیسم لیستی را با کار تدارک جدی مقابله با تجاوز به شدت درگیر کرده است . شو نیسم عظمت - طلبانه و موضعگیری های سراپا نادرست سیاسی رهبران ج ۱۰ ، به امپریالیسم آمریکا امکان داده است که افکار عمومی جهانی را بسود مقابلیه نظامی با ج ۱۰ تحریک کند . در این شرایط

دفاع از حزب توده ایران و ابراز همبستگی با توده‌ای‌های دربند، به شعار مبرم محافل، احزاب و سازمانهای مترقی، بدل شده است!

بقیه از صفحه ۱ پس از سرکوب وحشیانه حزب توده ایران توسط سردمداران ج ۱۰۱۰ که برای تحقق بخشیدن "به آرزوهای" امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، طبق دستورات برژینسکی صورت گرفت، محافل دمکراتیک و سازمانها و احزاب مترقی جهان، یک-پارچه بانگ اعتراضی و خشمناک خود را علیه این توحش افسارگسیخته که بیش از هر چیز، ویرانی بنای انقلاب مردمی و ملی بهمن ماه ما را هدف خود قرار داده، در دادند، تا یکبار دیگر ثابت کنند، جوانه‌های حقیقتی که در دل مردم واقع-بین و جانبدار استقلال - آزادی و صلح جهانی می‌شکند، تحت هیچ شرایطی پژمرده نمی‌شود.

اینک، ما گوشه‌ای از این اعتراضات و اعلام همبستگی‌های غرور آفرین این محافل و احزاب و سازمانها را منعکس می‌سازیم:

اسپانیا

طی برگزاری جشن روزنامه "آوانت"، ارگان مرکزی حزب کمونیست کاتالونیا، که از ۱۴ تا ۱۶ اکتبر (۲۴-۲۶ مهرماه) در بارسلون برگزار گردید (و شرح آن در شماره ۶۷ "راه توده" درج گردیده است) کنفرانسهایی نیز در رابطه با اوضاع سیاسی مناطق مختلف جهان و از جمله منطقه خاور میانه، برگزار گردید که در آن رفقای حزب توده ایران به ارائه تحلیلی از شرایط کنونی ایران، غلبه راستگرایان در حکومت، یورش به دستاوردهای مردمی انقلاب ایران و سرکوب حزب توده ایران، پرداختند. آنان ضمن ایراد سخنانی در رابطه با اعمال شکنجه‌های وحشیانه به مبارزین دفاع از حکومتشان ایران، بر حزب ما در زمینه دفاع از زحمتکشان ایران، بر این واقعیت تأکید کردند که راه شهدای قهرمان حزب را ادامه خواهند داد. سخنران جلسه، همچنین خاطر نشان ساخت:

"بیکر زخم خورده طبقه کارگر ایران، هرگز بر زمین نخواهد افتاد، این واقعیتی است که امپریالیسم و حاکمیت راستگرای ج ۱۰ آرزوی نابودی پیشاهنگ این طبقه را به گور خواهد برد."

حاضرین در این جلسه با کف زدنهای پسر شور، بار دیگر همبستگی خود را با حزب توده ایران و رفقای دربند ابراز داشته و با امضای کارت پستالهای اعتراضی، جنایاتی را که در سیاه چالهای ج ۱۰ بوقوع می‌پیوندد، محکوم نمودند.

● "کمیته دفاع از انسالوادور" در کاتالونیا، طی ارسال نامه‌ای به نخست وزیر ج ۱۰۱۰، خواستار قطع شکنجه‌های بربرمنشانه در مورد زندانیان توده‌ای و سایر دمکراتهای دربند در ایران و آزادی بلادرنگ و بدون قید و شرط آنان گردیده است. در نامه، همچنین درخواست از سرگرفتن فعالیت آزادانه حزب توده ایران،

تأکید شده است.

● فرستنده رادیویی "میر امار"، یکی از مهمترین فرستنده‌های رادیویی کاتالونیا، طی بخش برنامه "ویژه‌ای راجع به رویدادهای ایران، به بررسی یورش وحشیانه به حزب توده ایران پرداخته و طی مباحثه‌ای با یکی از رفقای حزب ما در این استان، نقطه نظرات حزب را تشریح کرده است.

آمریکا

در سومین کنفرانس کشوری "شورای صلح ایالات متحده آمریکا"، که از ۱۴ تا ۱۶ اکتبر

(۲۲-۲۴ مهرماه) در شهر شیکاگو برگزار گردید، قطعنامه‌ای با تفاق آرا، به تصویب رسید که طی آن به بازداشت و شکنجه‌های وحشیانه فعالین شوروی صلح در ایران شدیداً اعتراض شده و همبستگی شورای صلح با این مبارزین اعلام شده است.

قطعنامه همچنین، خواستار اعزام هیأتی بین‌المللی مرکب از پزشکان متخصص و حقوقدانان، جهت بررسی وضع زندانیان و تشکیل دادگاههای علنی برای کلیه مبارزین راه صلح و آزادی در ایران، با حضور ناظرین بین-بقیه در صفحه ۱۶



در کنفرانس ویژه بررسی اوضاع خاورمیانه، یکی از اعضای حزب توده ایران در رابطه با دستگیری و شکنجه توده‌ای‌های دربند سخن می‌گوید.

همبستگی حزب کمونیست ترکیه با حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

این حزب دست زده است، حزب کمونیست ترکیه طبقه کارگر و کلیه آزادیخواهان و میهن پرستان این کشور را به اعلام همبستگی با حزب توده ایران فرا می‌خواند.

دستگیری میهن پرستان ایرانی در ترکیه، به اتهام توده‌ای بودن و اعلام تحویل دادن آنان به دولت ایران، واقعه‌ای عادی نیست و باید آنرا در رابطه با نقشی که از طرف امپریالیسم آمریکا توسط کودتاچیان حاکم بر ترکیه به کشور ما تحمیل شده، در نظر گرفت.

این امر زمانی به وقوع می‌پیوندد که دهها هزار ضدانقلابی تحت نظر حکومت کودتاچیان، در خاک ترکیه بسر می‌برند و خود را در امان می‌بینند.

مردم ترکیه نمی‌توانند تماشاگر این توطئه‌ها باشند. باید با تمام قوا به افشای نقشی که حکومت دیکتاتوری ترکیه بنفع امپریالیسم و ارتجاع در منطقه و بر علیه مبارزین راستین منافع خلقهایری می‌کند، برخاست.

● همچنین در "جهش" ارگان مرکزی

حزب کمونیست ترکیه، مقاله‌ای تحت عنوان "کمونیستهای ترکیه دوشادوش رفقای توده‌ای"، درج گردیده است که طی آن تضییقات علیه حزب توده ایران و شکنجه‌های طاقت فرسائی که رفقای دربند ما در سیاهچالهای ج ۱۰ متحمل می‌شوند و تعقیب و پیگرد کمونیستها مورد بررسی قرار گرفته و این جنایات محکوم گردیده است.

مقاله همچنین با اشاره به ابعاد کسه شکار کمونیستها در ایران بخود گرفته و با در نظر گرفتن مواضعی که امپریالیسم زیر سایه سیاست ضد کمونیستی حکومت ایران، قدم به قدم در این کشور باز پس می‌ستاند، حکومتی را که این چنین بر علیه منافع مردم زحمتکش ایران عمل می‌کند و با شکنجه و کشتار مدافعین مردم، درها را بروی امپریالیسم می‌گشاید، محکوم به فنا دانسته و در پایان تأکید کرده است که منافع خلق ترکیه در استقرار آزادی در ایران و داشتن رابطه دوستی و مودت با کشور همسایه است و از اینرو، حمله به حزب توده ایران و به اعضا و هواداران آن، در واقع حمله به منافع خلق ترکیه است.

چگونه "ساواک" بدست لیبرالها بازسازی و بوسیله تسلیم طلبان تطهیر شد

بقیه از صفحه ۱

آزادی، فلاکت و فقر و بی‌خانمانی زحمتکشسان را عدالت اجتماعی، افزایش بی‌سابقه وابستگی اقتصادی به امپریالیسم را خودکفائی، سرکوب خشن علم و هنر و فرهنگ اجتماعی را فرهنگ و ارزش اسلامی و بالآخره گسترش فساد و فحشا و قاچاق و غیره را "جامعه سالم اسلامی" می‌خوانند. اما عرصه‌ای که سردمداران ج ۱۰ پیش از همه، در آن به ریا و تزویر و فریبکاری دست می‌زنند، میدان حکومت دستگاه خفقان و سرکوب است. سخنگویان تبلیغاتی رژیم، در این پهنه جنایات ساواک بازسازی شده و به خدمت "اسلام" درآمده را به نام "جوانان گمنام" و مخلصان اسلام معرفی می‌کنند. آیا واقعیت هم همین است؟! بی‌هیچ تردیدی می‌توان گفت: نه!

سابقه بازسازی و به کارگیری ساواک جهانی به چند ماه پس از انقلاب بر می‌گردد یعنی در حالی که مردم ما، هنوز در سوگ فرزندان غیر خود که در فتح سیاه‌چالها و شکنجه‌گاه‌های ساواک شهید شده بودند، لباس عزای تن داشتند!

حزب ما، در آنزمان با احساس مسئولیت انقلابی در برابر مردم و انقلاب و نگران بازیهای امپریالیسم و ارتجاع هشدار داد و روزنامه "مردم" ارکان مرکزی حزب در چهارمین شماره خود بعد از انقلاب در ۱۵ فروردین ۵۸ طی مقاله‌ای تحت عنوان "ما عمیقاً نگرانیم" نوشت:

"روز پنجشنبه، درست در آستانه فراندوم، امیرانتظام سخنگوی دولت، مطلب بسیار مهمی گفت که به عمد یا تصادف در میان انبوه خبرها گم شد. امیر انتظام گفت که یک گروه سه نفری مأمور تسویه امور ساواک شده‌اند. سخنگوی دولت اسامی این سه تن را ذکر نکرد ولی توضیح داد که ساواک وسائل و دستگا‌های معظمی دارد که میلیاردها دلار می‌ارزد. از این وسائل باید استفاده کرد!"

امیر انتظام ادعا کرد که قانون حفظ امنیت اجتماعی، که سازمان امنیت و اطلاعات کشور - ساواک بر مبنای آن تشکیل شده، در آغاز به قصد مبارزه با جاسوسان خارجی بوده، ولی در عمل مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. بنظر سخنگوی دولت میقت میتوان از این قانون و از همه تاسیسات و دستگا‌های ساواک حسن استفاده کرد.

مجموعه آنچه که سخنگوی دولت درباره ساواک بیان کرد، عجیب و مدعش است. اگر آنچسبه گفته شده اجرا شده، ساواک بازسازی می‌شود. درست زمانی که مردم زجر کشیده ایران بحق خواستار بران کردن کامل ساواک و تار و مار کردن بقایای این سازمان کانگستری هستند زمانی که خود امیر انتظام مجبور شده است اعتراف کند که ۱۵ گروه پنهانی ساواک علیه

انقلاب فعالیت می‌کنند و هر روز خبر تازه‌ای از جنایات ساواک انتشار می‌یابد، باور نکردنی است که سخنگوی رسمی دولت موقت انقلابی به جای اعلام نتایج اقدامات دولت، علیه ایسن سازمان چنایتکار و مجازات‌عامل آن مطالبی عنوان کند که به معنای آغاز بازسازی ساواک است. حزب ما در دنباله این مقاله، پس از افشای فریبکاری امیر انتظام در مورد اهداف اولیه ساواک، با استناد به لایحه تشکیل این سازمان سرکوبگر، ساواک را از روز نخست عامل نفوذ سازمانهای جاسوسی امپریالیستی در کشور ما و وسیله سرکوب مردم دانسته و آنرا سازمانی که از پایه و ریشه برای خدمت به اجانب، علیه مردم ایران تشکیل شده و در هیچ حالتی ممکن نیست برای خدمت به مردم و برای مقابله با اجانب به کار افتده می‌خواند. روزنامه مردم در مورد تاسیسات و دستگا‌های آن نوشت: "واما تاسیسات و دستگا‌های ساواک اینها واقعا هم گرانقیمت است، ولی فقط برای نبرد با مردم ایران، اخلال در مناسبات ایران با همسایگان به درد می‌خورد. ما نمی‌دانیم چگونه دولت موقت می‌خواهد از این وسائل به سود مردم بهره‌گیری کند. مثلا ساواک د و سری کابل ۱۸۰۰ زوجی دارد که قادر است چند هزار تلفن را در آن واحد، در مراکز مختلف تلفن تهران کنترل کند. ساواک برای گوش کردن و ثبت تلفن مردم، دستگا‌های دارد که مدرنترین نوع خود درجه ۱ است. ۵۰۰۰ سایر تاسیسات بود دستگا‌های ساواک هم از این نوع است. وسائل شکنجه است؛ زندان است، گوش کردن مخایرات داخل کشورهای همسایه است. چگونه میتوان اینها را به سود مردم به کار انداخت؟"

یک هفته بعد روزنامه "مردم" شماره ۲۲، ۵ فروردین ۱۳۵۸ در مقاله‌ای زیر عنوان "سازمان امنیت جدید کار خود را با فعالیت ضد کمونیستی آغاز کرده است" چنین نوشت: "ساواک با ستیاری و پشتیبانی سیا" به تجدید سازمان پرداخته و فعالیت پنهانی خود را بر ضد انقلاب آغاز کرده است. و این را همه می‌دانند، بی‌تردید کت افشاگری "مردم" ولی متاسفانه دولت به جای مقابله جدی و قاطع با این پدیده مخط‌سرتانک سرگرم تشکیل سازمان امنیت جدید (ساواک) و بعد ها ساواجا) است. و این سازمان امنیت هم نخستین کار خود را با فعالیت ضد کمونیستی آغاز کرده و این را هنوز هم نمیدانند. چون طبق تجربه تمام تاریخ معاصر ما، هرگونه یورش به حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم، هرگونه توطئه بر ضد استقلال و حاکمیت ملی ما، با هجوم به کمونیستها، چه در زمینه سیاسی و تبلیغاتی و چه در زمینه انسانی و سازمانی آغاز شد. ما است

آن وقت مردم و همه محافل، احزاب، سازمانها و شخصیتهای ملی، دموکراتیک و مترقی حق دارند که در برابر چنین پدیده‌های عمیقاً نگران‌شوند. طبق اطلاعات موثقی که به دست رسیده همزمان با تشدید تبلیغات ضد کمونیستی، هم اکنون کنترل خانه‌ها، تلفن‌ها و فعالیت‌های اعضا و هواداران حزب ما و همچنین عدلهای سازمانها، شخصیتها و عناصر صدیق و اصیل انقلابی از جانب سازمان امنیت آغاز شده است. چنین اعمالی نه فقط نقض حقوق و آزادیهای تضمین شده از جانب رهبر انقلاب و دولت موقت انقلابی است، نه فقط وظیفه سازمان جدید امنیت نیست، و نباید باشد، بلکه در آخرین تحلیل به خطر انداختن انقلاب و دستاورد های آنست. زیرا محدود کردن و به طریق اولی متوقف ساختن فعالیت‌های سازمانها، شخصیت‌ها و عناصر صدیق و اصیل انقلابی، از جمله اعضا و هواداران حزب ما، که تمام نیروی خلاق خود را برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و توسعه جامعه به کار انداخته‌اند، به هر شکل و بهانه‌ای که باشد، چیزی جز تضعیف جنبش انقلابی مردم ایران نیست که سرانجامی جز متوقف ساختن انقلاب در نیمه راه ندارد. تزلزل و بی‌برنامه‌گی و بی‌لیاقتی رهبران جمهوری اسلامی از یک سو، و تلاش عوامل و جاسوسان امپریالیسم که در تار و پود دستگا‌های حکومتی رسوخ کرده‌اند از سوی دیگر، نه تنها مانع بازسازی و بکارگیری ساواک زائیده سیا و مصاد نشد، بلکه آن دستگا‌های مخوف با همه وسائل و امکاناتش "یاری" و "کمک مغزهای متفکر" چون "فرد وستها" و سایر عوامل ساواک که سالها در "آموزشگاه‌های" اقرارگیری آمریکا آموزش دیده بودند، علیه صدیق‌ترین وفادارترین مدافعان انقلاب مردم بکار گرفته شد و می‌شود. آیا هم زبانی حکامان جمهوری اسلامی با ریگان، حتی پیشتازی آنان در جنگ صلیبی اش علیه کمونیسم و اعمال وحشیانه‌ترین شیوه‌ها در مورد انقلابیون و اخراج دیپلمات‌های اتحاد شوروی به همان شیوه و همزمان با اقدامات مشابه در کشورهای سرمایه‌داری غرب و مطیع "توصیه" های آمریکا، تنها بی‌انگرس خیانت و تسلیم خفت بار حکامانی نیست که روزی از آزادی کمونیست‌ها در بیان عقایدشان در حکومت اسلامی صحبت می‌کردند؟

بی‌شک ساواک "مسلمان" شده (ساواجا) از این روحیه تسلیم طلبی، بیشترین بهره‌را گرفته است و به متابله سازمانی که تار و پودش وابسته به سازمانهای جاسوسی امپریالیستی است توانسته است نقشه‌های ریگان را بدست سردمداران جمهوری اسلامی به اجرا درآورد. بقیه در صفحه ۶

چشم انداز تیره امر آموزش زنان

" متناسب با ظرفیت های جسمی و روانی و مقام ولای زن (!! نیست معاف (!) کرده اند بنظر آنان زنان می توانند و باید از طلوع تا غروب آفتاب با پشت خمیده در مزارع گندم و برنج و چای کار کنند، می توانند با جنینی در شکم و کودکی بر پشت گله را بدوشند، طویله پاک کنند و برای تأمین سوخت زمستان خانه های محقر خود سرگین حیوانات را چنگ بزنند و آماده کنند، می توانند با پای برهنه و پر آبله بر دشتهای سوزان مناطق جنوب و حاشیه کویر، کیلومترها پیاده بیابانند و مخلول بد رنگ و بد بوئی را بعنوان آب آشامیدنی در مشک های سنگین به دوش بکشند، می توانند

همه می دانند و می بینند که روستایان زحمتکش ایران، زن و مرد و دختر و پسر، در عرصه پیکار و تولید و کار همواره در کنار هم و دوشادوش یکدیگر کوشیده اند. ویژگی های زندگی روستایی در همین ما، ایجاد هرگونه دیوار و سدی که بطور ساختگی زنان و مردان را از یکدیگر جدا کند غیر ممکن می سازد. زنان زارع در شالیزارها با پاهای عریان و تا زانو در لجن، در کنسار مردان زحمتکش روستا یا کار طاقت فرسا، برنج خوش طعم برای سفره آقایان تدارک می بینند. هیچگاه ساعد آفتاب سوخته زنان روستایی مشکل شرعی (!) ایجاد نکرده است. اما ناگهان دختران

عقب افتادگی در زمینه آموزش عمومی و در صد بالای بیسوادی در میهن ما واقعیت دردناکی است که آثار و نتایج مترتب بر آن، هر روز ابعاد تازه تری به خود می گیرد. بر طبق آمارهای موجود پیشتر از ۷۰٪ جمعیت ایران از سواد خواندن و نوشتن بی بهره اند. این آمار در مورد زنان به رقم تقریبی ۹۰٪ و در مورد روستایان به رقم فاجعه آمیز ۹۸٪ می رسد. طبق اصل سی و یکم قانون اساسی، دولت ج ۱۰۱۰. موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور، بطور رایگان گسترش دهد.

مسئولان ج ۱۰۱۰، تا کنون نه تنها قدمی در راه تحقق این اصل مترقی و مردمی قانون اساسی برنداشته اند بلکه با ایجاد سدها و موانع صنوعی در راه تحصیل کودکان ایران، بخصوص دختران دانش آموز، در جهت عکس آن عمل کرده اند. خرابکاران نقابدار و وابسته به امپریالیسم و قشربون مرتجع، دست در دست هم آنچه شان شرایطی در ایران فراهم آورده اند که چشم اندازی جز یأس و تاریکی در مقابل دختران وجود ندارد. به استثنای دوران کوتاه اوایل پیروزی انقلاب بهمین، توسعه دبستانها و دبیرستانها به کندی صورت می گیرد و در اینجا و آنجا، مدارس دخترانه به پهناهای گوناگون منحل اعلام می شوند. عوامل امپریالیسم و قشربون واپس گرا زیر نقاب "حفظ منافع عالیه اسلام"، دست به اقدامات سازمان یافته و منظم، در جهت سیر قهقرائی آموزش و فرهنگ عمومی و به ویژه راندن دختران و زنان به کنج خانه و آشپزخانه و محروم ساختن آنان از کسب دانش و فن دست زده اند.

حکومت راستگرا و قشری ج ۱۰۱۰ که با دقت و وسواس اغراق آمیزی مراقب است تا یک تار موی زنان در معرض دید قرار نگیرد، حضور دبیران و معلمان مرد را، در کلاسهای دخترانه با وجود رعایت کامل حجاب - ممنوع کرده است. اخراج هزاران دبیر معلم زن با تجربه از آموزش و پرورش به "دلیل" دگراندیشی و یا به پهناهای پوچ و تنگ نظران و در حقیقت به جرم "زن بودن" نیز مایل دیگری است که سطح آموزش در دبیرستانهای دخترانه را به حداقل ممکن رسانده است. رشته ریاضی از بسیاری از دبیرستانهای دخترانه حذف شده است و کلاسهای که کمتر از ۳۰ دانش آموز دارند، منحل می شوند.

مسئولین آموزش و پرورش ایران، با الهام از طرز تفکر خاص خود، محتوای آموزشی کتابهای درسی دختران را تخفیر داده اند. برغم آنان مهمترین وظیفه زن، فرارگشتن آشپزی و خانه داری و خدمت متواضعانه به شوهر است. تشکیل کلاسهای مختلط، در دبستانهای روستایی ممنوع اعلام شده است.



بجای حیوانات خشیس بخود ببندند و شخم بزنند، بکارند، بدروند و بکوبند و نان تازه برای سفره "حکام" خود حاضر کنند. می توانند در کارگاههای تاریک و نور قالی بافی بیژمزند و قالی خوش نقش زیر پای آقایان بیکسند، می توانند در کارخانهها در محیط پر غبار و غیر بهداشتی، جوانی و شادایی خود را در پای مطامع سرمایه داران ظارتگر و اشتباهی سیبری ناپذیر آنان به زراندوزی فدا کنند. می توانند از بام تا شام در کارگاهها، مدارس، بیمارستانها و سایر مؤسسات کار کنند و زحمت بکشند، می توانند و باید تمام عمر بعنوان زنان خانه دار بدون هیچ گونه حق و حقوق، چون بردگان خانگی، بدوزند و برویند و ببزند و بشویند، اما نمی توانند به عنوان مدیر و کارشناس و پرنایه ریز به جامعه خدمت کنند و با استقلال اقتصادی بدست آمده بقیه در صفحه ۱۵

و پسران خردسال روستایی، از حضور زیر یک سقف و شرکت در یک کلاس برای تحصیل دانش محروم می شوند. برغم مسئولان قشری آموزش و پرورش گویا این امر "مخل به مبانی اسلام است" به این ترتیب از آنجا که حد نصاب لازم بسیاری تشکیل کلاس را ۱۰ نفر قرار داده اند، در بسیاری از روستاها، کلاس دخترانه تشکیل نمی شود. واقعیت اینست که به علت فزونی نرخ رشد جمعیت در ایران، نسبت به رشد سوادآموزی، هر سان تعداد بی سوادان بخصوص بی سوادان زن، افزایش می یابد.

بر طبق تصمیمات مسئولان انقلاب آموزشی، زنان از تحصیل در بسیاری از رشته های دانشگاهی مانند کشاورزی و دامپروری، رشته های مختلف فنی و مهندسی، زمین شناسی و معدن، باستان شناسی و غیره محروم شده اند. آنان زنان را از کار و تحصیل در زمینه هایی که با اصطلاح

هنوز هم "نصیحت" و "موعظه"!!

بقیه از صفحه ۱

" حزب توده " جو شوروی ستیزی و تسود ه ستیزی در ایران دامن زده شود تا "مسکو" دیگر نتواند از ج ۱۰۱۰ و انقلاب آن دفاع کند .

برزیلینسکی و اربابان او توانستند بدست صال نهان و آشکار خود در حاکمیت و پیرامون آن وزیر پرچم " نه شرقی و نه غربی " به این هدف دست یابند ، نیروهای مدعی طرفداری از منافع مردم در حاکمیت ، تسلیم آنها و راستگرایسان شدند و عملا پلهای بشمار پشت سر خود را در ارتباط با بشریت ترقیخواه و کشورهای ضد امپریالیست جهان و بویژه اتحاد شوروی ، کشتور همسایه و دوست انقلاب ایران ویران ساختند .

" حجت الاسلام موسوی " رئیس مسلمانان آمریکا " در روزنامه لوس آنجلس تایمز طلب کرده بود با دامن زدن به توده ستیزی که به سر - دمداری " انجمن حجتیه " و اعضای علمی و نهان آن ، از جمله توسط به اصطلاح " توابعین " آن " انجمن " انجام شد ، تلاشی جبهه نیرو های مردمی تکمیل شود . در حالیکه سازمان های راست - چه سیاسی یعنی حجتیه و حزب

" کنار گذاشتن " هر آنکس که نشانی از صداقت دارد ، توسط " جریان یا خطی در بعضی از ارگانها مانند آموزش و پرورش و یا در بازار و دیگر ارگانها " ، تنها و تنها در جهت تد اوم همین سیاست سیر می کند . هدف این سیاست " پاکسازی " کامل همه نیروهای صادق و کم و بیش پایبند به اهداف ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب است .

امپریالیسم - همزمان با تدارک یورش علمی نظامی خود ، و ارتجاع یا اعمال این سیاست - می کوشند با ارباب بقایای این نیروها در رده های پایین حاکمیت ، آنان را نیز به تسلیم وادارند و در صورتی که این نیروها به سازش تن در ندادند ، در موقع ضرور و در شرایط تشدید ضعف مواضع آنان ، ضربه نهائی را بر پیکر این نیروها وارد سازند . پراکندگی نیروهای کم و بیش پایبند به مواضع ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب در رده های پایین حاکمیت و عدم بسر - خورداری آنان از یک سازمان مشکل ، این نیرو ها را - چه بخواهند و چه نخواهند - در برابر

رده های پایین حاکمیت - مجلس ، دولت ، نهاد ها ۰۰۰ - سازمان مشکل خود را ایجاد کنند و با روشن کردن مواضع صریح خود بسر ای توده های میلیونی و مشخص کردن مرز مواضع خود و تسلیم شدگان ، حداقل شرایط سازطند هی را برای توده " مردم فراهم آورند .

۲- باید با تشکیل " جبهه متحد خلق " ، که در آن تمام نیروهای صادق ضد امپریالیست و ضد دیکتاتوری و مردمی میهن ما ، - صرف نظر از اعتقادات و نظرات سیاسی - ایدئولوژیک خود - گرد آیند و تحقق یک برنامه مشخص و حداقل مورد توافق را ممکن ساخته و به نبرد بی امان با امپریالیسم و ارتجاع دست یازند .

همانگونه که حزب توده " ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اعلام کرده است ، تشکیل " جبهه متحد خلق " تنها و تنها وثیقه و تضمین بسه پیروزی رساندن انقلابات ملی - دمکراتیک ، در دوران فعلی جهان است . تردیدی نیست ، که عدم پذیرش این اصل ، از جانب نیروهای مسلمان و مردمی میهن ما ، در سالهای بعد از انقلاب علت اصلی در افتادن انقلاب در ورطه شکست و مرگ بوده است .

باید یکبار دیگر به آن مسلمانان انقلابی راستین ، که هنوز به سهمگینی این فاجعه پدید آمده پی نبرد هاند و هنوز بجای عمل ، به نصیحت و بازگویی جملات کلی ، مبهم و غیر مشخص بسنده می کنند ، با تمام قاطعیت هشدار داد و مسئولیت آنها را گوشزد کرد!

توده های مردمی ایران را از تسلیم وادارند و در صورتی که این نیروها به سازش تن در ندادند ، در موقع ضرور و در شرایط تشدید ضعف مواضع آنان ، ضربه نهائی را بر پیکر این نیروها وارد سازند . پراکندگی نیروهای کم و بیش پایبند به مواضع ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب در رده های پایین حاکمیت و عدم بسر - خورداری آنان از یک سازمان مشکل ، این نیرو ها را - چه بخواهند و چه نخواهند - در برابر

چگونه "ساواک"...

بقیه از صفحه ۴

و این لکه ننگ را برای اید به دامن کسانی بنشانند که خود روزی قربانیان این دستگاه سرکوب بودند ولی در جاده خیانت و روگردانی از مردم به تطهیر کنندگان و ستایشگران این جریان اهریمنی و عمال جنایتکار آن تحت عنوان " جواک " گنم " بدل شده اند .

ولی در نظر مردم میهن ما ، این پدیده ضد بشری که اکنون با همه " دستگاههای گران - بهنای " خود سیخ و خوخوارتر به انتقامجویی از پی گیرترین مدافعان انقلاب و مرد پسر خسته است ، همان دستگاه دهشتناکی است که فرزند آن ، پدران و مادران آنها را زیر شکنجه قطعه قطعه می کرد و می کند ، به مادران و دختران و خراهران آنها به پیشرمانه ترین شیوه ها هتک حرمت می کرد و می کند و اجساد سوراخ سوراخ شده فرزندانشان را در دریاچه قمشهر و زارهای کبیر به قعر آبها و به لاشخوران می سپرد و می سپارد .

خون عزیزان و تحقیر انسانی ، چیزی نیست که بتوان به سادگی از آن چشم پوشید . کینه و نفرتی که مردم ما از ساواک و اعمال ضد انسانی آن داشتند سبب شد که روزهای غرور آفرین - بهمن ۵۷ با هر وسیله ممکن و با شجاعت و خشمی کم نظیر خانه های مخوف و شکنجه گاههای آن را در نوردند .

این کینه و نفرت و خشم همچنان در قلب جریحه دار شده مردم ما باقی است .

ضربه های امپریالیسم و ارتجاع شکست پذیر ساخته است . همانطور که فقدان جبهه متحدی از تمام نیروهای ضد امپریالیست در میهن ما ، انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن را به هدف فریبان ضربه پذیر امپریالیسم و ارتجاع بدل ساخت .

تردیدی نیست در اینکه غلطیدن انقلاب در سراسر شیب مرگبار شکست برای انقلابیون راستین - چه مذهبی و چه دگر اندیش - بسیار دردناک و برای خلقهای میهن ما و تاریخ آن فاجعه آمیز است .

تردیدی نیست در اینکه شرایط دفاع از دستاوردهای انقلاب ملی - دمکراتیک ۲۲ بهمن ، به مراتب دشوارتر از زمانی است که ارتجاع و راستگرایان بر حاکمیت ج ۱۰۱۰ مسلط نبودند و تسلیم شدگان در لباس " کوخ نشینی " به " کاخ نشینان " بدل نشده بودند . ولی اکنون نیز می توان و باید برای سد کردن راه سقوط نهایی انقلاب و بازگشت جمهوری از راه رفته ، کوشید و فعال بود . این دینی است ، که تاریخ بر گردن تمامی نیروهای صادق انقلابی ، به پشتوانه خون شهیدان انقلاب و جنبش میهن ما ، نهاده است .

برای انجام این وظیفه میهنی و انقلابی باید:

۱- نیروهای مسلطان صادق و انقلابی در

ج ۱۰ تحت دبیر اولی آقای خامنای و چه سیاسی - اقتصادی یعنی " اطاقهای بازگانی " سازمان اقتصاد اسلامی و ... هم در نهان و هم آشکارا به تشدید فعالیت پرداخته بودند ، ارتجاع با یورش قنانون شکنانه خود به حزب توده " ایران بسه سرکوب خونین نیروهای ضد امپریالیست و ضد ارتجاعی در ایران ادامه داد .

اکنون ج ۱۰۱۰ ، یا به اصطلاح جمهوری " نه شرقی و نه غربی " بقول سردمداران حاکمیت " منفرد " در صحنه پرتلاطم و نا امن منطقه خاور میانه ، به طعمه لذیذ و راحت - الوصل امپریالیسم و ارتجاع بدل شده است .

بدیهی است ، در چنین شرایطی امپریالیسم و ارتجاع از هدف اولیه خود ، یعنی باز پس گرفتن " تعامی ایران " یک گام هم ، پس نخواهند نشست . آنها می دانند و نیک نیز می دانند ، که در ایران باید سکوت گورستانی و اختناق بی حجاب تحکیم بخشید ، و این اصلی است که راستگرایان و تسلیم شدگان نیز بر آن صحه گذاشتند و در جهت پیاده کردن این اصل ، از هیچ کوششی دریغ نروریدند! سخنان رئیس مجلس در نماز جمعه و وعده خفقان واقعی برای مردم در این رابطه ، بی دلیل بر زبان رانده نمی شود!

باتشکیل جبهه متحد خلق، خطر حتمی و...

بقیه از صفحه ۲

ناشیانه سران حاکمیت در برابر امپریالیسم، که راه را هر چه بیشتر برای تثبیت و تحکیم سایش هموار می سازند همچنان امپریالیسم در تداوم آمریکا را به عنوان دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان افشا می کنند نخستین گام ها را در راه اتحاد عمل، با نیروهای پیگیر انقلابی در خارج از حاکمیت بر می دارند. این اتحاد عمل در افشای سازش با امپریالیسم و پشت کردن به منافع توده ها، سنگ پایه تشکیل جبهه متحد خلق است. اما فرصت تنگ است و خط سیم سهمگین و نزدیک. شتاب اتحاد نیروهای وفادار به آرمانهای اصیل انقلاب باید از شتاب اجرایی توطئه های امپریالیسم پیشی گیرد.

هر چه زودتر در جبهه متحد خلق، در راه تحقق آماجهای انقلاب متحد شویم و مبارزه سازش ناپذیر با امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا را ادامه دهیم.

مردم در راه برآمدن انقلاب و در هم کوبیدن توطئه های اخیر امپریالیسم و ارتجاع، پیش از پیش به مهده نیروهای جبهه متحد خلق، نیروهای وفادار به آرمانهای انقلاب واگذاشته می شود. بدون شک بسیج توده ها در راه مبارزه پیگیر با امپریالیسم با تعهد پیگیر در راه آماج های اساسی انقلاب استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی پیوند تنگ تنگ دارد. از اینرو، آن گروه از مسلمانان انقلابی، بویژه در مجلس شورا و در پدنه و پیرامون حاکمیت جمهوری اسلامی که با تعمیق و گسترش مواضع انتقادی خویشتراز حاکمیت ج ۱۰، راه خود را از راه تسلیم در برابر امپریالیسم و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان جدا می کنند، و آنانکه برغم مانورهای سیاسی

امپریالیسم آمریکا از امکانات مناسب بین المللی برای وارد آوردن ضربه نظامی بر جنبشی که رهبران تسلیم طلبش آنرا از جبهه جهانی انقلاب منزوی کرده اند، برخوردار می شود. ارتجاعی ترین نیروهای ضد انقلابی ایران نیز که آشکارا می بینند تناسب قوا بسود ضد انقلاب در حال تغییر است، فرصت را مغتنم شمرده و تدارک نقشه های دامنه دار را به مراحل نهایی نزدیک می کنند. آنان از یکسو، در میان راستگرایان مذهبی در جستجوی متحدان تازه ای هستند تا پایگاه اجتماعی خود را گسترش بخشند و از سوی دیگر، امکانات نظامی خود را بیش از پیش افزایش دهند. ما وظیفه خود می دانیم یک بار دیگر به مردم

میهنمان و انقلابیون راستیمن هشدار دهیم، تحریک بی سابقه ای در میان نوکران سرسپرده امپریالیسم آمریکا برای دست زدن به اقدامات براندازنده نظامی در هماهنگی با فشار و دخالت نظامی امپریالیسم آمریکا، دیده می شود. تشدید فعالیت محافل سلطنت طلب، تدارک یورش نظامی آنها از پاکستان، خلیج فارس و ترکیه - شمال عراق، که اخبار آن بگوش می رسد، هشدار دهنده است.

هیچ یک از این اقدامات و نکات بر حاکمیت ج ۱۰ پوشیده نیست. رهبری ج ۱۰ بهتر از نویسندگان جرید رسمی خویش می دانند که: "ضعف ها و کاستی ها و سو مدیریت ها باعث شده تا آنهایی که امتحان بی کفایتی خود را در عمل به اثبات رسانده اند، مجدداً بخواهند وارد صحنه شده و خود را ناجی انقلاب و ایران بدانند" (کیهان ۱۴ آبان ۶۲).

آنان نیک می دانند که افزایش فشار و تهدید دخالت نظامی آمریکا در رابطه با انقلاب ایران بطور همزمان یک هدف واحد را دنبال می کنند:

— راستگرایان و تسلیم طلبان را به تسلیم و جبهه سازی بیشتر در برابر امپریالیسم و ارتجاع و ادارتو به روند مسخ انقلاب شتاب بیشتری بدهند.

— امکانات عملی جبهه براندازی انقلاب را بیش از پیش گسترش بخشند.

از این روست که محافل حاکم ج ۱۰ ناگزیرند حقیقت را از مردم پنهان کنند، چرا که خود در پی آمدگرایش طبقاتی و ضعف های سیاسی خویش آنچنان به تدارک سیاسی پیشروی امپریالیسم یاری رسانده اند، که جز با خود افشاگری همه سویه نمی توانند نقشه های امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را افشا کنند.

در این شرایط بسیار خطیر در تاریخ انقلاب و میهن ما، وظیفه افشای اهداف فشار و خطر دخالت نظامی امپریالیسم آمریکا با هدف مسخ بیشتر و سرکوب انقلاب ایران، افشای سازشکاری و تسلیم طلبی ناگزیر حاکمیت ج ۱۰ در مقابله با امپریالیسم، و وظیفه بسیج سراسری توده های

مردم مرفقی جهان،

آغاز ۴۳-مین سال تشکیل

حزب طبقه کارگر ایران را

جشن گرفتند

اتریش

در مراسمی که بمناسبت بزرگداشت آغاز چهل و سومین سالگرد حزب توده ایران در تاریخ چهارم نوامبر (۱۳ آبان)، در شهر وین، پایتخت اتریش برگزار گردید، رفیق کاکر عضو هیأت سیاسی حزب کمونیست اتریش، پس از ایراد پیام تهنیت کمونیستهای اتریش بدین مناسبت، بار دیگر خشم و انزجار خود و کساد ر رهبری و اعضای حزب کمونیست اتریش را از اعمال جنایات دد مناشنه در مورد زندانیان توده های ابراز داشت و همبستگی کامل آنان را با حزب توده ایران اعلام نمود.

در این مراسم، همچنین سازمانهای حزب کمونیست شیلی، نمایندگان دانشجویان کرد، دانشجویان عراقی، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در اتریش و نیز دانشجویان کمونیست اتریش طی قرائت پیامهای تهنیت، همبستگی کامل خود را با توده های اتریش دریند و کلیه مبارزین مرفقی زندانی اعلام کردند.

هندوستان

به مناسبت آغاز ۴۳-مین سالگرد حزب توده ایران، جشنی توسط حزب کمونیست هند - پونه جبهه دمکراتیک دانشجویان سودان - هند، اتحادیه جوانان دمکراتیک بحرین - پونا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هند - پونا برگزار گردید. در این جشن، رفیق تول پوله مسئول حزب در پونا و مترجم آثار معروف مارکس به زبان مراتی، سخنانی در دفاع از حزب ایراد کرد.

با پرچم بهار

آواز در دهید!

با دشمنان بگوئید:

ما زنده ایم هنوز

چون خلق زنده است.

آواز در دهید!

با دوستان بگوئید:

در فصل سرد و درد

برگی اگر فتاد

یا شاخه های شکست،

مرگ درختان باغ نیست.

آواز در دهید!

باید به فصل یخ،

دستی فشرده تر

در دست من کنید:

آنکه به نام عشق

پل باوردلم را

بر رود خون نهید!

آواز در دهید!

موج پرندگان را

پروانه های رنگ را

در شاخه های دل

ما و دهید:

جوش جوانه ها

(پنهان ز دیده ها)

با پرچم بهار

می آید آشکار.

م-ف

آبان ۱۳۱۲

اشاره :

در پی چاپ بخشی از جزوه پرسش و پاسخ رفیق فرخ نگهدار دبیر اول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، در شماره پیش "راه توده" ، اینک به درج ادامه پرسش دوم : "علل و عوامل این چرخش به راست را چگونه می توان توضیح داد ؟" - مبادرت می ورزیم . رفیق نگهدار در پاسخ این پرسش ، ابتدا به تعیین قانونمندی های انقلابات ملی و دموکراتیک و انطباق آن ها با انقلاب ایران می پردازد و سپس در توضیح درباره فرخود ویژگی های انقلاب بهمن ماه ۵۷ ، "خصوصیات منفی" آن را به شرح "خصوصیت" تقسیم می کند :

- ۱- امتناع از سیاست اتحاد همه نیروهای خلقی و ضد امپریالیستی ، داشتن گرایش حاد و افراطی انحصار طلبانه و ...
 - ۲- ترس از تشکل توده ها در سازمانهای فراگیر و مستقل سیاسی و صنفی توده ای و جلوگیری از آن ،
 - ۳- خصلت ضد کمونیستی و ضد شوروی .
- و اینک دنباله مطلب :

۴- بی برنامه گی همراه با محصور ماندن در چارچوب رساله ها و متون قدیمی دیگر که اساسا "پاسنگوی مسائل جامعه سرمایه داری در عصر ما نیستند و برای مقاصد دیگری نوشته شده اند . نیروهای ضد امپریالیستی بهروام از یکسو خود را مواجه با جامعه ای می بینند که سرپای آنرا مظالم و فساد اجتماعی فرا گرفته است از سوی دیگر در جستجوی راه دگرگونی این جامعه حاضرینند با شهامت بايستند و برای پیدا کردن راه ، راهی که رساله ها پاسنگوی آن نیست ، اجتهاد کنند . آنها در مانده مانده اند که برای اینهمه مشکلات اجتماعی روز از کجای تعالیمشان دستور عملی پیدا کنند که توسط مرتجعین انگ "خلاف شرع" روی آن نهجسد . رئیس جمهور چند ماه پیش در نامه ای خطاب به کارگران که بر سریده بودند تکلیف قانون کار چه می شود گفته بود ، در لابلای کتابهای فقه اسلامی بگردید حتما " بهترین قانون کار دنیا را خواهید یافت ... و حالب بود که کارگران در جواب گفتند " چیزی را که تو طلبه در کتابهایت پیدا نکردی . بطور من کارگر پیدا کنم ."

واقعیت اینست که تشریحگری و محافظه کاری مذهبی یکی از فلج کننده ترین نقطه ضعف های نیروهای رهبری کننده انقلاب است . بسیاری انقلابات در شرایطی صورت گرفته اند که رهبران آن مثل ایران تازه پس از انقلاب بفرجه پیدا کردن راه تحول اجتماعی افتاده اند ، آنها هم پس از انقلاب هیچ برنامه مدون تحول اجتماعی نداشته اند . اما توانسته اند بهرمت به چنین برنامه ای دست یابند چرا که چنین مانع ذهنی از پیش ساخته شده صلب و سخت و منجمدی را فرا روی خود قرار نداده بودند . دگماتیسم مذهبی و ترس از جواب تکلیف روحانیون مرتجع شیعه عامل مهم درماندگی روحانیت رهبری کننده انقلاب و عدم توفیق وی در متشکل کردن نیروهای خود زیر رهبری یک برنامه عمل مشخص برای تحولات اجتماعی است .

بعلاوه این تشریحگری بصورت یک عامل انحراف افکار مردم از مبانی اساسی ، آمیخته شدن منازعات طبقاتی به مسائل بگلی میاهیت ، هرز رفتن بخش مهمی از نیروها و تحت فشار قراردادن دگراندیشان و عامل اذیت و آزار و ناراضی کننده و حدانی انداز بین مردم عمل کرده است . از این جنبه هم حتما باید تاثیر عامل تشریحگری مذهبی در ضعف کردن پایه های انقلاب در نظر گرفته شود .

بدین ترتیب می بینیم با اینکه برآیند حرکت تاریخی بهروان خط امام بطور عینی جهت گیری ضد امپریالیستی و مردمی داشته است و این عمده ترین خصوصیت مثبت آنان برای پیشبرد انقلاب ما بشمار رفته است . اما در کنار این خصصه نقاط ضعیفی نیز تعلق می کند که انقلاب را در خطر قرار می دهد و امکان برگشت آنرا فراهم می سازد . این نقاط ضعف در حرکت تاریخی بهروان خط امام ، در مجموع آنرا در درآمد بهروان "راه سوم" راهی که بنیست است ، قرار می دهد . رهبری انقلاب شمار نه فرقی نه فرسی را راهنمای عمل خود قرار داده بود که خط امام آن را بعنوان راه سوم می فهمید . یعنی تحول اجتماعی باید همواره بدون دستگیری سوسیالیستی و بدون جهت گیری سرمایه داری انجام شود و تجربه بسیاری از جنبشهای راهی بخش نشان می دهد که چنین "تحولی" اساسا وجود ندارد . امر برای برای ادامه "راه سوم" امر بر بی تکلیف نگاه داشتن و به بنیست کشیدن جامعه است . جامعه موجودی بیواست حیات اجتماعی نمی تواند متوقف بماند . نبرد هوایان طبقات خارج از خواست و اراده این و آن برای باز کردن این بنیست ادامه می یابد و اگر نیروهای روشن بین و مخالف سرمایه داری و امپریالیسم در وضعیتی نباشند که مهر و نشان خود را بر انقلاب بگویند بدون تردید واجبارا

متحد شویم! در دفاع

مسائل انقلاب

فرخ نگهدار، دبیر اول سازمان

سندیگایی طبقه کارگر ، که چنانچه می توانست نقش قطعی در رویداد آغازین خود بود .

در پاییز گذشته وضع طرز برداشتن حتی یک گام دیگر هم ، تصمیم مهم دیگر موکول می شد و اجتماعی بود . در پاییز گذشته از رسیده بود که دیگر واقعا هیچ ف در بنیست ماندن وجود نداشت لحظات تاریخ خود قرار گرفته بود که نه نیروهای که انقلاب را هد ضعف خود را به حدی جبران که به برداشتن این گام قطعی باشند ، پیشرفت انقلاب بگونه ای بود که پیشرفت انقلاب بشکند .

در پاییز گذشته برای شکستن یک امکان باقی مانده بود . اگر ا می ایستاد ، نیروهای پیرو مواعید خ توده های مردم را برای براندازی اقدام انقلابی فرا می خواند البته بورژوازی و امپریالیسم رها می شد می شدند بلکه انقلاب نیز الزاما کیفی را پشت سر می گذاشت و در غیاب یک نیروی متشکل ، متحد و عدم تشکل سیاسی و سندیگایی امپریالیسم و ارتجاع و فشار بی غرب ، با موضع گیری رهبری انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی درحکوه آنان وارد آمد بلکه سیاست را امپریالیسم و تثبیت راه سرمایه داری انقلاب آغاز شد .

من فکر می کنم پاسخ واقعیت اما بدون شک درباره دلایل و ارزیابی و نظرات متفاوت از آنچه که هم اکنون در سطح جنبش چهار دسته نظرات خلاصه کرد :

— هیچ تغییر مهم قابل ذکری راستگرایان درون حکومت پنهان کنند ، از این باصلاح بود خود تشخیص می دهند که و حتی الاکان مکوم بماند . مطبو می کند که گویا ایران دارد "مستقل" طبعی از عناصر صادق ضدا و پختگی لازم سیاسی هستند ، فراکسیونیستهای انشعابی از غلبه گرایش راست در حکومت د وابستگی به شوروی بوده است .

— رهبری انقلاب از اول اند سلطنت طلبان و لیبرالها از تبلیغ کرده اند که امام خمینی ایران نبوده است . مقصود او از ا بود و در تمام این مدت عوامه داشته است . این تحلیل سرای تاریخی دوران اخیر کشور ماست غیر مستقیم انقلاب ایران و حرکت

این بنیست بود طرفداران سرمایه داری و امپریالیسم شکسته خواهد شد و انقلاب برگشت خواهد کرد .

در انقلاب ما از ابتدا هیچ معلوم نبود که همسوئی و هموستگی و اتحاد نیروهای روشن بین خلقی یعنی ما ، مجاهدین و بخشی از نیروهای خط امام ، بخشی که قانون اساسی را برجم خود قرار داد ، نتواند نیروی اجتماعی لازم را برای شکستن بنیست و اجرای اصول انقلابی و مردمی قانون اساسی فراهم کند و انقلاب را بسوی پیشرفت سوق دهد . این امید نه تنها منتفی نبود بلکه یک امید کاملا واقعی بود . سیز دو خط ملایم تمام افتخارات آن ستیزی کاملا واقعی برای شکستن این بنیست و تعیین راه تکامل اجتماعی بود و همچنان هست . برنامه ما برای "پیشبرد همه جانبه انقلاب" یک برنامه خیالی نیست که خارج از واقعیتهای عینی جامعه نوشته شده باشد . وضعیت عینی در مرصه ملی و بین المللی بخصوص با توجه به نیروی عظیم توده ای آن بگونه ای است که اگر همه نیروهای خلقی و ضد امپریالیستی واقعا موجود سیاست اتحاد در پیش می گرفتند و بر نیروی بیگران خلق تکیه می کردند . انطباق می یابست پیش رود و هیچ عامل دیگری برگشت آن را ایجاد نمی کرد .

با این حال انتظار نمی رفت نیرویی که "راه سوم" را جستجو می کند بسهولت و سادگی دست از این توهم بردارد . این توهم را فقط نیروهای بی امان طبقات اجتماعی و طوفانها و تلاطمات حاد می توانست درهم بشکند .

بنابراین در جستجوی علل و عوامل برگشت انقلاب قبل از هر چیزی باید تداوم نقطه ضعفها و نقائصات رهبری انقلاب را به مثابه عاملی تعیین کننده مورد توجه قرار داد . ثانیاً باید منصفانه پذیرفت که همسوئی نیروهای روشن بین می توانست نیروی کافی را برای جبران این ضعفها و شکستن بنیست فراهم آورد . درست همانگونه که اشتباهات آنان می توانست نقاط ضعف رهبری را تشدید و امکان گرایش بر راست را تقویت کند . درست همانگونه که سیاست صحیح حزب طبقه کارگر میهن ما واقعا " توان انقلاب و امکان پیشبرد آن را تقویت کرد .

بررسی تحول وضعیت عینی و رویدادهای اجتماعی همه حاکی از آنست که پی آمدهای نقاط ضعف رهبری انقلاب و اشتباهات برخی نیروهای خلقی تناسب نیرو در در کشور بتدریج بسود نیروهای راستگرا و محافظه کار تغییر داد که عمده ترین این پیامدها چنین اند .

— بورژوازی هوادار امپریالیسم در پرتو عدم انجام اصلاحات بنیادین پس از انقلاب مجدداً " مواضع خود را در اقتصاد و سیاست در سیاست مستحکم کرد ، منسجم شد و تعرض مجدد خود را برای برگشت دادن انقلاب آغاز کرد . عدم انجام این اصلاحات وضع بد زندگی مردم را بدتر کرد و موجب ناراضی و عدم اعتماد نسبت به مسئولین کشور و کاهش حمایت توده ای از انقلاب شد .

— درگیری و نفاق میان نیروهای خلقی بویژه مجاهدین و پیروان خط مردمی امام موجب تضعیف همه نیروهای خلقی و تقویت مواضع ارتجاع شد و تناسب نیروها را آشکارا بسود راست تغییر داد .

— جنگ عراق و جنگ کردستان نیز در تضعیف مواضع انقلاب و فرسایش نیروهای خلقی و همچنین فرسایش حمایت توده ای از انقلاب تاثیر کاملا جدی برجای گذاشت . این جنگ بخصوص در یکسال اخیر مواضع نیروهای راستگرا و بورژوازی بازاری را تقویت و موجب هدر رفتن بخش عمده ای از نیروی انقلاب شد .

در پاییز گذشته وضع بگونه ای شده بود که جریان های بورژوازی ، بویژه بازار قادر بودند مدافعان انقلاب در حکومت را به رویارویی آشکار تهدید کنند . این تهدیدات در شرایطی صورت می گرفت که از یک طرف جنگ بشدت جریان داشت و امپریالیسم با اعمال فشارهای سیاسی ، اقتصادی و نظامی به نیروهای حاکم در مورد انتخاب راه هتدار می داد . از طرف دیگر تناسب قوا در حاکمیت وضع کاملا شکننده و بحرانی بخود گرفته بود . توده مردم بی سازمان و بی شکل و فاقد اراده مستقل خود بودند . بخصوص تشکل سیاسی و

از انقلاب بپا خیزیم!

و مواضع ما

دائیان خلق ایران (اکثریت)

بخش دوم

اجتماعی که به اشکال بسیار متنوع می‌تواند بروز کند به هیچوجه متغی نیست. هیچ معلوم نیست روند برگشت انقلاب بدون تظاهرات حد و ستیزهای بی‌امان طبقات طی شود و تا کجا و چگونه گسترش یابد. در شرایط قطعی نقش امام خمینی در حفظ انسجام حکومت جلوگیری از حادت غیرقابل کنترل تضادهای درون آن قابل ملاحظه است. پس از امام معلوم نیست تکلیف این منازعات چه خواهد شد. بدین ترتیب براساس امکانات متفاوتی که برای تکامل آتی رویدادها در ایران وجود دارد، از هم‌اکنون نمی‌توان درباره مناسبات و آرایش مجموعه نیروهای سیاسی کشور در آینده‌ای که فرا می‌رسد، اظهار نظر قطعی کرد. در این زمینه فقط باید منتظر تکامل بیشتر رویدادها بود.

اما آیا درباره نیروهای خلقی و ضدامپریالیستی ایران هم باید فعلاً سکوت کرد؟ بهیچوجه. در این باره می‌توان و باید اظهار نظر کرد.

نیروهای حزب طبقه کارگر ایران، توده‌ها و فدائیان (اکثریت) به مثابه یک نیروی سیاسی غیرقابل انکار، نیرویی که نه تنها سیاست آن در مبارزه جاری طبقات نقش ایفا می‌کند بلکه ضرورتاً در کانون این مبارزه قرار دارد. در صحنه سیاسی ایران حضور فعال دارند. من در اینجا صحبت نمی‌کنم که چرا این نیرو وجود خواهد داشت و چرا نمیتوان آنرا به مثابه یک جریان عملاً موجود اجتماعی و سیاسی نادیده گرفت، منحل اعلام کرد و یا از میان برداشت. ما در این باره به حد کافی بحث کرده‌ایم. من درباره مناسبات این نیرو، یعنی پیروان سوسیالیسم علمی هم بحث جداگانه‌ای نخواهم کرد. چرا که سیاست و تئوری راهم‌ای عمل ما بطور کلی تماماً پاسخگوی همین مسئله است.

علاوه بر نیروهای حزب طبقه کارگر در انقلاب ایران دو نیروی سیاسی دیگر نیز با ماهیت ضدامپریالیستی و مردمی در صحنه رویدادهای سیاسی ایران فعال بوده‌اند. این نیروها در انقلاب ایران بنام مجاهدین خلق و پیروان خط امام شناخته شده‌اند.

درباره پیروان خط امام باید گفت پس از سیاست سیاست‌راست برکنار کردن و تغییرات وسیعی در آن ایجاد می‌شود. پس از عدول حکومت از مواعیدی که به مردم داده است آنچه مسلم است بخشی از این نیرو با تبعیت فکری و عملی از خط حاکم بر کشور مواضع قطعی را ترک کرده و راه‌جدایی از مردم و پشت کردن به انقلاب را در پیش خواهد گرفت. جدایی این نیرو مسلماً ضربه بسیار مهلک و خوردکننده به نیروهای خط امامی وارد خواهد آورد. بسیاری از عناصر صادق مردمی که تاکنون از فعالان این خط بوده‌اند چنین سرنوشت مرگباری را انتخاب نخواهند کرد و بهمین دلیل احساس می‌کنند که پس از توده‌ها در "خاکریز اول" قرار گرفته‌اند. آنها از سیر رویدادها در کشور نگرانند. آنها آرزوی اوضاع دیگری جز این را در سر داشته ولی خط حاکم امروز آشکارا خیال تصفیه و در صورت مقاومت سرکوب آنان را در سر دارد. چندی پیش دادستان کل کشور پس از دیدار با امام رسماً اعلام کرد که ستاد پیگیری فرمان امام از این پس با قاطعیت کسانی را که بخواهند "جریان بسازند" و جلوی سیاست حاکم بایستند در هر مقامی باشند، سرکوب خواهد کرد. نباید تصور کرد که با قطع حمایت امام از آنان حیات سیاسی تمام این نیروی اجتماعی خاتمه پذیرد. این بخش از نیروهای ضدامپریالیست و مردمی اگر متشکل شوند، اگر به نیروهای دگراندیش مدافع انقلاب دست اتحاد بدهند و اگر به توده مردم روی آورند و به پشتوانه توده‌های دهها میلیون مؤمن زحمتکش علیه سیاست حاکم به مبارزه برخیزند قادر خواهند بود که نقش تاریخی فوق‌العاده پراهمیتی درجات انقلاب بازی کنند. امپریالیسم، راستگرایان و تسلیم‌طلبان خطاب به اینها اینطور تبلیغ می‌کنند که دیگر کاری از دست شما بر نمی‌آید، داوطلبانه صحنه را خالی کنید! در حال حاضر پس از سرکوب نیروهای حزب طبقه کارگر، حزب توده ایران، تصفیه و سرکوب این بخش از نیروهای ضدامپریالیست و مردمی موضوع مهم سیاست کشور است.

توده وسیعی از دهقانان مرفه و میانه حال، بخش وسیعی از پیشه‌وران و کسبه خرده‌ها، و لایه‌های پائین بازار که از ستم سرمایه بزرگو امپریالیسم رنج می‌برند با بخش معینی از طلاب و روحانیون که عموماً از همین اشرار برخاسته‌اند پیوند داشته و تحت رهبری آنان در مبارزه سیاسی شرکت کرده‌اند. این طلاب و روحانیون که بخشی از دستگاه روحانیت شیعه به شمار می‌روند همراه با بخشی از توده فعالین نهادهای انقلاب، نیروی سیاسی معینی به‌شمار می‌روند، که تا بیانات ضدامپریالیستی و مردمی مشخص دارند. این نیروها امروز بطور مشخص از قاتلان اساسی دفاع می‌کنند، قانون اساسی را بی‌انگیز نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مطلوب خود می‌دانند و خواهان اجرای آن هستند.

امروز روحانیون بطور کلی نقش درجه اول را در حیات سیاسی کشور ایفا می‌کنند. قم امروز دیگر فقط یک شهر مذهبی نیست، مرکز بقیه در صحنه ۱۴

و آمریکا وانمود می‌کنند و به مردم اینطور القا می‌کنند که گویا تمام جریانات سالهای اخیر کار آمریکا و انگلیس است و شما بیپوده برای حفظ انقلاب شهید داده‌اید. هدف آنها نیز نه تنها بی‌اعتبار کردن مبارزه تاریخی جریان خط امام، همچنین منع مردم از شرکت در خیزشهای آتی توده‌ای و بدین نگه‌داشتن آنها به جریانات سیاسی انقلابی است.

امام خمینی عملاً ابتدا در جبهه خلق قرار داشته است. اما بعد از درگیری با بنی‌صدر و سازمان مجاهدین خلق ایران از اوایل سال ۵۹ تغییر ماهیت داده و در جبهه دشمنان خلق قرار گرفته است. از آن زمان ضدانقلاب برکنار ماحکم گردیده است. هواداران بنی‌صدر و مدافعان مجاهد آن مدافع این نظر هستند. اما واقعیت عینی و مجموعه حرکت نیروهای مترقی و ارتجاعی هم در عرصه ملی و هم در عرصه بین‌المللی خلاف این تحلیل را اثبات می‌کند. در دو ساله ۵۹ و ۶۰ امید به پیشرفت انقلاب وجود داشت و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز در معرض حادترین حملات ضدانقلاب، امپریالیسم و ارتجاع منطقه بود و توده‌های وسیع خلق در داخل کشور و کشورهای مترقی جهان مدافع جمهوری اسلامی ایران در برابر امپریالیسم و ارتجاع بوده‌اند.

حکومت در دست آخوندهاست. حکومت ملایان ارتجاعی و فاشیستی است. کاست روحانیت برای حفظ خود هر اقدام ارتجاعی را که لازم تشخیص دهد انجام خواهد داد. مخالفت آنان با آمریکا و امپریالیستها از "موضع ارتجاعی" است - شکست انقلاب توسط آنان قطعی و از همان آغاز انقلاب حتمی بوده است. برای سرنگونی حکومت خرده‌بوروازی ارتجاعی که ملایان آنرا نمایندگی می‌کنند همکاری با بوروازی نه تنها اشکالی ندارد بلکه ضروری است. این نظرات که از جانب چپ‌روها و چپ‌نماها تبلیغ می‌شد، نیروها را از شرکت در انقلاب و دفاع از دستاوردهای آن منع می‌کرد. آنها خواهند کوشید که تحولات اخیر را دلیل درستی پیشگویی خود جا بزنند.

حقایق زندگی و تجربه مستقیم و ملموس ما تمامی این تحلیل‌ها را رد می‌کند. تنها تحلیل واقع‌بینانه همانست که گفتیم.

پرسش: چشم‌انداز مناسبات نیروهای جبهه متحد خلق را چگونه می‌بینید؟

پاسخ: من فکر نمی‌کنم بتوان آینده نیروهای سیاسی ایران را به سادگی فرمولهای کلاسیک تصویر کرد. بنظر می‌رسد روند برگشت انقلاب نیز مثل روند پیشرفت آن روندی یخ‌ریز و پرتناقض باشد. در طول چهارسالگی که از انقلاب گذشت ما شاهد آن بودیم که نیروهای ضدامپریالیستی و مردمی در حاکمیت که خواهان اجرای قانون اساسی بودند و در عین حال در موضع رهبری انقلاب نیز قرار داشتند هرگز این واقعیت را ندیدند که توده‌های و فدائیان و مجاهدین می‌توانند در یک جبهه در کنار آنها قرار گیرند و علیه امپریالیسم و ضدانقلاب و در راه پیشبرد انقلاب بزنند. ما همچنین شاهد آن بودیم که مجاهدین نه در جای واقعی خود، در جبهه پیکار ضدامپریالیستی بلکه در کنار نیروهایی قرار داشتند که باران راستین خلق نبودند، اغتشاش در صف‌بندی‌ها در هر دو طرف هم در نیروهای پوزیسون و هم در نیروهای پشتیبان حکومت وجود داشت.

اکنون نیز که سیر برگشت انقلاب در حال تکوین است بنظر می‌رسد آینده مناسبات میان نیروهای خلقی دچار دشواریها و تناقضات بسیار باشد. بعلاوه این مناسبات می‌تواند تحت تاثیر عوامل داخلی و خارجی، بویژه تحت تاثیر تحول اوضاع سیاسی منطقه قرار گیرد.

ترکیب نیروهای مخالف و موافق حکومت بستگی به این دارد که کدام گرایش در حاکمیت تثبیت شود. بحران عمیق اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در کشور ما در حال گسترش است. تضادهای طبقات اجتماعی حادت می‌یابند. احتمال برخوردهای تند طبقات

حد مطلوب گسترش یافته بود کشور ایفا کند، هنوز در مرحله

ده بود که بدون گرفتن راه پذیر نبود. هر تصمیم به یک ترین طبقات انتخاب راه تکامل ستیز طبقات اجتماع به نقطه‌ای بی برای تصمیم نگرفتن و بازهم انقلاب در سرنوشت‌سازترین این لحظه در شرایطی فرا رسید می‌کردند توانسته بودند نقاط و به سطحی فرا رویند که قادر وضع کلی جبهه نیروهای مدافع اعمال فشار بنیست را بسود

بست بسود پیشرفت انقلاب فقط در برابر جناح راست قاطعانه را با تمام نیرو تقویت می‌کرد و آن سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی به تنها گریبان انقلاب از چنگال نه تنها راستهای حکومت حارو یک جیش قطعی به پیش تحولی سیر پیشرفت قرار می‌گرفت. هر بقا توده‌ای، بخصوص در شرایط بی‌ت کارگر و در زیر تأویانه‌های آن بوروازی راستگرا و هوادار رجهت سلب حمایت از نیروهای نه تنها ضربه بسیار مهلکی به سیاست طرفدار سازش با برکنار غالب شد و سیر برگشت

های به پرسش طرح‌شده داده‌ام. ل اهمیت تحولات اخیر ایران که ما کتیم تبلیغ شده و می‌شود. تبلیغ می‌شود بطور کلی می‌توان در

فاق نیافتاده است.

و کسانی که تصمیم گرفته‌اند با بل نیاز دارند حقایق را از مردم لمل "نشتیانی می‌کنند. اینها سیاست راست فعلاً بر ملا نشود. آمریکا نیز اخیراً اینطور تبلیغ می‌شود.

ستی خط امام که فاقد هویشاری بین ارزیابی را ارائه می‌دهند.

ان هم اینطور تبلیغ می‌کنند که ست و سرکوب حزب هم بدلیل

به است.

بهریزی انقلاب تاکنون اینطور در فکر منافع ملی و استقلال کوب مردم و نهضت ملی ایران مقاصد خود را پوشیده نگاه و تحریف آشکار تمام حقایق با در تبلیغات خود مستقیم و پام را ناشی از سیاست انگلیس

کارزار جهانی همبستگی با زنان دمکرات زندانی در ایران

• حزب کمونیست آرژانتین • حزب کمونیست اسپانیا • حزب سوسیالیست متحده کاتالونیا • هیأت شرکت کننده از لهستان • حزب سوسیالیست انقلابی سومالی • حزب کمونیست چکسلواکی •

زم

احزاب و سازمانهای زیر، طی امضای بیانیه‌ای به تاریخ ۴ نوامبر (سی‌ام مهرماه)، اعمال تضییقات و شکنجه‌های دشمنانه در مورد نیروهای دمکراتیک و مترقی و بویژه اعضای دریند "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" را محکوم کرده، همبستگی کامل خود را با آنان اعلام نمودند. این سازمانها همچنین خواستار اعزام هیأتی به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان، تشکیل دادگاههای علنی با رعایت

برای کلیه زنان دمکرات زندانی در ایران "و گسترده باد همبستگی بین‌المللی با دمکراتهای در بند"، تزیین شده بود، مورد بازدید دهها هزار تن از مردم ایتالیا از سراسر کشور و میهمانان خارجی فستیوال قرار گرفت. بازدید کنندگان از این غرفه، بطرق مختلف، از جمله امضای بیانیه‌ها و کارت‌پستالهای اعتراضی، همبستگی خود را با زنان زندانی در ایران ابراز داشتند.

همچنین ۱۵ حزب و سازمان سیاسی مترقی و نیز نمایندگان گنجه‌های روزنامه "پراودا"، ارگان حزب کمونیست شوروی، و "اومانیته" ارگان حزب کمونیست فرانسه، شرکت کننده در فستیوال، طی امضای قطعنامه‌ای، حمایت کامل خود را از زنان زندانی و "کمیته بین‌المللی حمایت از خانواده‌های زندانیان سیاسی و مقنود شدگان در ایران"

دمکراتهای سراسر جهان، همچنان نگران سرنوشت زنان و مردان مبارزی هستند که همه گناه پیکار در راه کسب استقلال و آزادی و منافع زحمتکشان میهنشان، ماهیاست بدون کوچکترین رابطه‌ای با دنیای خارج، اسیر در خیما ن حکومت و قربانی شکنجه‌های انتقام جویانه آنان و اربابان دیو صفشان هستند.

در هفته‌های اخیر نیز چون گذشته، محافل مترقی جهان در راه نجات این قربانیان پیگیرانه کوشیدند و یک صدا درخواست قطع شکنجه آزادی زندانیان، بررسی وضع آنان از نزدیک تأیید و رسیدند. با این حال، حاکمیت نج ۱۰۱۰ بجای توجه و گردن نهادن به این خواستها، باز هم در سیاهچالهای مخوف خود به زجر و شکنجه مبارزین دریند ادامه می‌دهد و با این عمل، ماهیت ضد بشری و ضد انسانی خود را



نمای داخلی غرفه تشکیلات دمکراتیک زنان در جشن ناسیونال اونیتا رجو امیلیا

غرفه تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در ایتالیا، مورد بازدید شرکت کنندگان در فستیوال قرار گرفت.

موازین بین‌المللی برای آنان، قطع فوری شکنجه، انتشار لیست کامل زندانیان و اجاره ملاقات آنان با خانواده‌هایشان گردیده‌اند:

- سازمان حزب کمونیست یونان در ایتالیا
- سازمان جوانان کمونیست یونان در ایتالیا
- حزب کمونیست عراق، شعبه ایتالیا • سازمان زنان برزیل در ایتالیا • اتحادیه "وینتامپا در ایتالیا • حزب کمونیست لبنان در ایتالیا
- سازمان حرکت کمونیستی لبنان در ایتالیا
- حزب حرکت سوسیالیستی لبنان در ایتالیا
- حزب کمونیست شیلی در ایتالیا • شیلی دمکراتیک " در ایتالیا •

تلگرام اجلاس شوروی، فدراسیون بین‌المللی دمکراتیک زنان، در مورد جنگ ایران و عراق خطاب به دول متخاصم

تلگرام زیر در پایان اجلاس شوروی "فدراسیون بین‌المللی دمکراتیک زنان" (پالاتولیکا - مجارستان ۱۱ تا ۱۴ اکتبر) در بقیه در صفحه ۱۱

اعلام نموده و به اعمال تضییقات و فشار بر علیه نیروهای دمکرات و شکنجه و آزار زندانیان در ایران، شدیدا اعتراض نمودند.

امضا کنندگان، همچنین خواستهای زیر را در قطعنامه مطرح ساختند:

- انتشار لیست اسامی کلیه زندانیان دمکرات و اجازه ملاقات آنان با خانواده‌هایشان؛
- اعزام کمیسیون بی‌طرفی برگزیده از حقوقدانان و پزشکان متخصص در امر شکنجه جهت دیدار از زندانیان در ایران؛
- قطع بلا درنگ شکنجه‌ها و پایان دادن به جو اختناق و تفتیش عقاید؛
- تشکیل دادگاههای علنی، طبق موازین بین‌المللی برای زندانیان.

- اتحادیه وینتامپا در ایتالیا • زنان حزب سوسیالیست متحده مکزیک • حزب سوسیالیست متحده مکزیک • حزب کمونیست پرو • اتحادیه زنان عراقی • تشکیلات دمکراتیک زنان سومالی • حزب کمونیست فرانسه • حزب کمونیست عراق در ایتالیا • اتحادیه دانشجویان فلسطینی در ایتالیا

بیش از پیش آشکار می‌سازند. به گوشه‌هایی از اعتراضات نیروهای مترقی دنیا به این اعمال بریر منشاء، توجه کنید:

ایتالیا

در فستیوالهای محلی روزنامه "اونیتا"، ارگان حزب کمونیست ایتالیا، طی ماههای اوت و سپتامبر (مرداد و شهریور) امسال در شهرهای رم - بلونیا - پادوا - تورینو و فلورانس سازمان "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" در ایتالیا نیز شرکت داشت.

در همه این شهرها، شرکت کنندگان در فستیوال، با امضای طومارها و کارت‌پستالهای اعتراضی، همبستگی خود را با زنان زندانی عضو "تشکیلات دمکراتیک" و نیز سایر دمکراتهای در بند ابراز نمودند.

• در فستیوال با شکوه سراسری این روزنامه نیز که از تاریخ اول تا هجدهم سپتامبر (۱۰ تا ۲۷ شهریور) در رجو امیلیا برگزار شد، "تشکیلات دمکراتیک" در ایتالیا شرکت فعال داشت. غرفه "تشکیلات" که با شعارهای "آزادی فوری

کارزار جهانی همبستگی با زنان دمکرات زندانی در ایران

بقیه از صفحه ۱۰

رابطه با جنگ ایران و عراق، به دولت‌های درگیر در جنگ مخابره گردید:

" ما، همصدا با محافل صلح طلب بین-المللی، خواهان پایان جنگ میان عراق و ایران بوده و از طرفین متخاصم می‌طلبیم، به این جنگ بی‌سرانجام که جز مرگ و آوارگی برای مردم دو کشور، نتیجه‌ای ندارد، خاتمه دهند. در شرایط بحرانی کنونی جهان، این جنگ خانمانسوز، که هر لحظه اشکال جدیدی بخود می‌گیرد، نه تنها خطری جدی برای خاورمیانه بحساب می‌آید، بلکه صلح و امنیت بین‌المللی را نیز تهدید می‌نماید."

بریتانیا

بنا به دعوت سازمان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، در بریتانیا، در تاریخ بیست و هفتم سپتامبر (۵ مهرماه) بمنظور اعتراض به بازداشت هزاران زن، مرد و کمالات در ماه‌های اخیر از جمله فعالین و اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان در ایران و محکوم نمودن شکنجه‌های بربرمشتان‌های که در مورد زندانیان اعمال می‌شود، تظاهراتی در برابر سفارت ج ۱۰۱۰ در لندن بر پا شد که در آن نیروهای مترقی خارجی و انگلیسی شرکت داشتند.

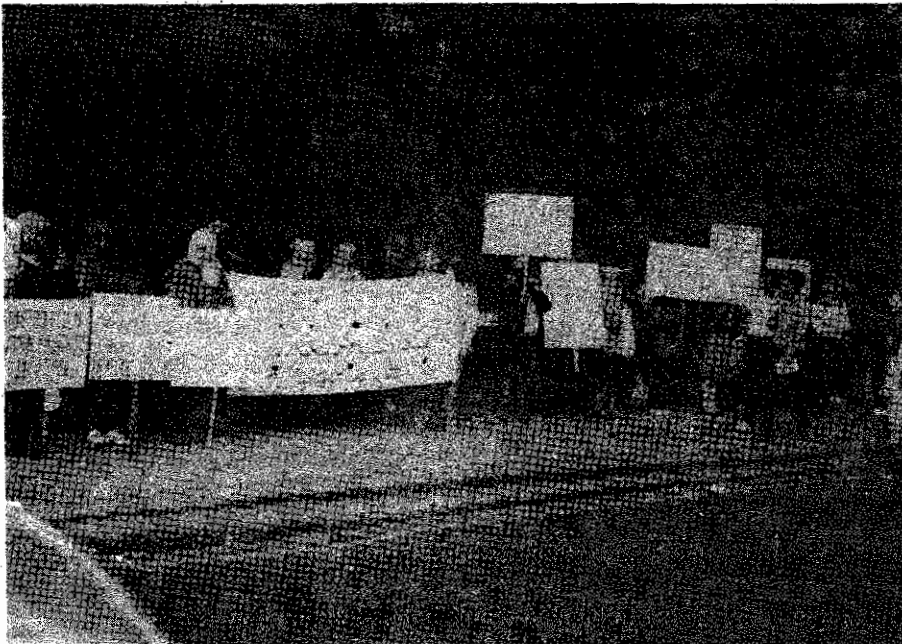
در پایان، نامه‌ای با امضای سازمان‌های زیر، به مسئولین سفارت خانه تحویل داده شده در آن امضا کنندگان، پس از اعتراض به پایمال شدن حقوق بشر در ایران، آزادی کلیه دمکرات‌های زندانی را خواستار گردیده‌اند:

• مجمع ملی زنان انگلیس • سازمان بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی • سازمان زنان حزب کمونیست انگلستان • سازمان زنان مترقی ترکیه در بریتانیا • اتحادیه زنان عراقی در بریتانیا • زنان شیلی در تبعید • سازمان زنان قبرس در بریتانیا • کمیته همبستگی با زنان ترکیه •

آمریکا

خانم دولوس تالر، مسئول "کمیته خاور میانه لیگای بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی" در آمریکا، طی ارسال نامه‌ای خطاب به نماینده ج ۱۰۱۰ در سازمان ملل متحد، نگرانی شدید خود را در مورد بازداشت غیرقانونی و شکنجه و آزار اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و نیز اعمال تضییقات در مورد کلیه نیروهای مترقی و آزاد یخواه در ایران ابراز داشته و آزادی کلیه این مبارزین را خواستار گردیده است.

وی، همچنین درخواست اعزام هیأتی بین-المللی مرکب از پزشکان و حقوقدانان به ایران، بمنظور ملاقات با زندانیان و بررسی وضع آنان از نزدیک و نیز برگزاری محاکمات علنی برای آنان و جلوگیری از اعمال روش‌های غیرانسانی در مورد ایشان، تأکید مرزیده است.



نظارات اعتراضی علیه بازداشت هزاران مبارز دمکرات ایران در برابر سفارت ج ۱۰۱۰ در لندن

FÉDÉRATION DÉMOCRATIQUE INTERNATIONALE DES FEMMES
WOMEN'S INTERNATIONAL DEMOCRATIC FEDERATION
FEDERACIÓN DEMOCRÁTICA INTERNACIONAL DE MUJERES
Международная Демократическая Федерация Женщин
國際婦女民主聯合會
INTERNATIONALE DEMOKRATISCHE FRAUENFODERATION

الاتحاد النسائي الديمقراطي العالمي

مبارزه زنان سراسر جهان در راه صلح، برابری، ترقی

استقرار صلح و جلوگیری از بروز جنگ هسته‌ای که بویژه در مقطع تاریخی کنونی در اثر تحریکات امپریالیسم، ابعاد خطرناکی کسب کرده است اعلام داشتند.

در این مجمع بین‌المللی، نمایندگان "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" نیز حضور داشتند و ضمن اعلام پشتیبانی زنان ایران از اهداف "دهه زن"، سهمی را که آنان در مبارزه بخاطر تحقق این اهداف ادا کرده‌اند، بیان نمودند.

«فدراسیون بین‌المللی دمکراتیک زنان» به اعمال بی‌رویه دولت جمهوری اسلامی در مورد زنان ایران اعتراض می‌کند

"فدراسیون بین‌المللی زنان" در پایان کار اجلاس شورای جهانی "بالاتولیکا" در مجارستان، که از تاریخ ۱۱ تا ۱۴ اکتبر (۱۹ و ۲۲ مهرماه) برگزار گردید، تلگرام زیر را به دولت ج ۱۰۱۰ مخابره نمود:

"ما نگرانی شدید خود را در باره سرنوشت نامعلوم زنان زندانی، بویژه اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" که سراسر زندگی خود را وقف مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد و کسب حقوق دمکراتیک و عدالت اجتماعی نموده‌اند، ابراز می‌داریم و آزادی بلاد رنگ و بدون قیود و شرط کلیه نیروهای مترقی درینند و خصوصاً زنان را خواستاریم."

بزرگاری اجلاس شورای «فدراسیون بین‌المللی دمکراتیک زنان» در جمهوری خلق مجارستان

از تاریخ یازدهم تا چهاردهم اکتبر (۱۹-۲۲ مهرماه)، اجلاس شورای «فدراسیون دمکراتیک بین‌المللی زنان»، بمنظور ارزیابی نتایج فعالیت‌های زنان سراسر جهان در تحقق اهداف دهه (۱۹۷۵-۱۹۸۵) اعلام شده از طرف سازمان ملل متحد، یعنی برابری، ترقی و صلح، با شرکت ۱۳۵ سازمان مختلف از ۱۱۷ کشور در جمهوری خلق مجارستان تشکیل گردید.

زنان شرکت‌کننده در این مجمع بین‌المللی، با خواندن پیامها و کار در کمیسیون‌های ویژه موضوع مرکزی کنفرانس و بررسی فعالیت‌های انجام شده طی "دهه زنان"، که نتایج نهایی آن در کنفرانس جهانی نایروبی، به سال ۱۹۸۵ اعلام خواهد شد، بیکار دیگر نشان دادند که بخاطر تحقق اهداف ترقیخواهانه و صلح جویانه نه تنها برای زنان، بلکه بخاطر بشریت، از پستی نخواهند نشست.

این کنفرانس همچنین، فرصتی بود تا زنان دمکرات جهان بار دیگر همبستگی خویش را با مبارزات رهائی‌بخش خلق‌های تحت ستم ابراز نموده و حمایت بی‌دریغ خویش را از تلاش‌های پیگیرانه نیروهای مترقی در سراسر گیتی، بخاطر

در هفته ای که گذشت:

خدمت به اهداف شوم آمریکا

در شرایطی که امپریالیستهای آمریکا و سایر همکارانش، علنا از دخالت و سرکوب ملل منطقه سخن می گویند و برای آن تدارک می بینند، آقای خامنه ای رئیس جمهور ج ۱۰۱۰ در يك كفرانس مطبوعاتی اعلام داشت:

"مدتهاست که سعی می شود احتمال دخالت نظامی مستقیم آمریکا در منطقه از خنجره های مختلف با زبانهای گوناگون به ما برسد. ما این مطلب را بسیار دور از تصور می شماریم".

وی افزود:

"بعید به نظر می رسد آمریکا حاضر باشد به پرتاب سنگ و سنگ اندازی با کسی دست بزند" (کفرانس مطبوعاتی ۱۹ آبان)

بعید به نظر می رسد که آقای رئیس جمهوری اسلامی ایران، که در عین حال رئیس شورای عالی دفاع ج ۱۰۱۰ نیز هست، از تغییر و تحولات نظامی آمریکا در منطقه و از خط و نشانها و تهدیدات امپریالیسم آمریکا در پشت گوش ما، در لبنان به مرحله اجرا در می آید بی خبر باشد. این اظهار نظر آقای رئیس جمهور، تنها در جهت خواب کردن مردم و در نهایت فلج ساختن مقاومت آنها در برابر توطئه ها و تجاوزات امپریالیستی سیر می کند. آقای رئیس جمهور، با اظهاراتی از این دست، کار منسی ساختن امپریالیسم آمریکا را، که هنوز در نظر مردم ایران دشمن بزرگ میهن ماست، با پشتکار ادامه می دهد. او درصد دست با این شعبده بازیها افکار مردم را از خطر جدی و حتمی تجاوز آمریکا منحرف سازد و "مقام" او را از "دشمن اصلی" به يك "دوست بی آزار" ارتقا دهند. در این صورت، البته که "پرداخت بدهی ها" و "جبران کردن خسارتها" و بستن قسرها - دادهای اقتصادی ریز و درشت با این دوست بی آزار، که حاضر "نیست" به پرتاب سنگ و سنگ اندازی با کسی دست بزند! خالصی از اشکال جلوه می کند!

بی جهت نیست، که طبق اطلاعات رادیو اسرائیل (مورخ ۱۲/۸/۲۵) صادرات امپریالیسم آمریکا به ایران در چند ماه اخیر ۸۹٪ افزایش یافته است.

آری راست است!

حجت الاسلام رفسنجانی، در خطبه دوم نماز جمعه هفته گذشته، در مقابل دیدگان حیرت زده مردم میهن مان که همه روزه در کوچه و خیابان و در محل کار و زندگی خود به بهانه های مختلف مورد تفتیش و اذیت و آزار گشت هلی ریز و درشت سپاه قرار می گیرند، از آزادی مطلق در جامعه سخن گفت و مردم را تلویحا تهدید کرد که:

"... هنوز ملت ما، اکثریت مردم، کسه رأیشان د مکراسی می سازد، اینها با انقلاب هستند".

وی افزود پس:

"ما نیاز نداریم به خفقان" و خاطر نشان ساخت "اگر نیاز داشتیم ... هیچ ابایی نداریم ... اگر این انقلاب (بخوان حاکمیت) یک روز نیاز به خفقان پیدا کرد، خفقان پیش می آوریم".!

راست است که آقای رفسنجانی، از برکت وجود گشت های ثارالله والقاره و ... کمپته های ۳۰۰۰ و زندانهای اوین و قزل حصار و امکان بکارگیری تجربیات ماوران ساواک و سیا و ... ارگانهای جاسوسی در تمامی نهادها و سازمانها و ... می تواند به قدر قدرتی یک فرعون، برای هر آنکس که جرأت به خود راه دهد و دم از حق و عدالت بزند، شاخ و شانه بکشد و تثبیت هر نوع وضعی را تنها و تنها به "اراده مافوق بشری" خود و راستگرایان و تسلیم شدگان، منوط بپند و برای خواست و نیاز مردم و آماجهای انقلاب گمترین ارزشی قائل نشود. این نیز راست است که هم اکنون:

- هزاران تن از هم میهنان ما، تنها به "جرم" داشتن عقایدی مخالف نظمرات حاکمیت همه روزه روانه زندانها می شوند و تنها سرحد مرگ مورد شکنجه قرار می گیرند؟

- کارگرانی که حقوق حقه خود را مطالبه می کنند، به وحشیانه ترین شکل سرکوب می شوند؟

- دهقانانی که در مقابل بازگشت فئودالها و خوانین فراری مقاومت می کنند، به زندان افکنده و مورد ضرب و شتم قرار می گیرند؟

- مهربومانی که در گرمای تابستان بدلیل عدم دسترسی به آب آشامیدنی دست به اعتراض می زنند، ضد انقلاب معرفی شده بوسیله پاسداران به خون کشیده می شوند؟

- زحمتکشانی که از جنگ خسته شده و برای پایان دادن به آن دست به راهپیمایی می زنند، ابتدا سرکوب و سپس روانه زندانها می شوند؟

- ماوران حکومت خود را برای جاسوسی در امرود اخلی مردم، هجوم به منازل و بازرسی آنها، گوش کردن به تلفن ها و خواندن نامه های خصوصی مردم محق می دانند؟

و صدها نمونه روشن دیگر!

اما این نیز راست است که مردم میهن ما هرگز مرعوب این "نفس کش طلبیدن" ها نمی شوند و مهمتر از آن به تجربه و چشمان خود، بیش از گفته های گهربار و تهدید کننده "ائمه جمعه" اعتماد دارند، حداقل آنان می دانند برای دستیابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی واقعی در میهنشان بود، که دهها هزار شهید و معلول نثار انقلاب کردند و به شاه

ملعون که زمانی به "خفقان نیاز" پیدا کرده بود آموختند، اگر "چیزی ندارد، حداقل آبا" داشته باشد!

آری، راست است! ...

سران ج ۱۰۱۰ برای گسترش روابط با امپریالیستها و نوکران حلقه بگوش آنها چهارنعل می تازند

بعد از خوش آمدگویی های رسمی و صریح سران ج ۱۰۱۰ به کشورهای امپریالیستی، این خادمان بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران، هم چنان و به طرق مختلف، روند دردناک غارت و چپاول منافع ملی ما را دنبال می کنند. گسترش مبادلات اقتصادی نابرابر با امپریالیستها و دست نشاندهان "مسلمان" آنها، همراه با ایما و اشاره های امپریالیسم پسندانه، برای بهبود مناسبات سیاسی با غرب، گوشه هایی از این روند دردناک است.

در این هفته نیز بازار سفرهای متعدد هیأت های مختلف اقتصادی به ایران گرم بود. از آنجمله سه دیدار جلب نظر می کرد: دیدار سفیر ژاپن با رئیس مجلس شورای اسلامی، دیدار يك هیئت دوازده نفری وزارت بازرگانی پاکستان با مدیر کل بخش بازرگانی ج ۱۰۱۰ با کشورهای اسلامی و مسافرت بهزاد نبوی به ترکیه.

سفیر ژاپن طی دیداری با رئیس مجلس شورای اسلامی از گسترش مناسبات حسنه با ج ۱۰۱۰ ابراز خوشنودی کرد و گفت:

"ما با موقعیت ایران بسیار آشنا هستیم و از اینکه هر روز، عراق را به سلاحهای پیشرفته تجهیز می کنند و باعث جنگ افزوری در منطقه می شوند، نگران هستیم".

آنگاه آقای رفسنجانی در پاسخ این حسن نیت اظهار داشت:

"ما می توانیم در توسعه روابط اقتصادی مان مکل هم باشیم. ما می دانیم شما طالب صلح هستید. صلح شما با صلح آمریکایی فرق دارد".

رهبران ج ۱۰۱۰ چنان در منجلاپ سازش با امپریالیسم فرو رفتند که ترجیح می دهند، واقعیت "جنگ طلبی" و خصمت "جنگ-افروزی" امپریالیسم ژاپن را که مردم و همه کشورهای متری ۵ قاره جهان بدان آگاهند، نادیده بگیرند. و در میان صدها دولت "صلح طلب" جهان، به این جنگ افروزترین کشور این قاره متوسل شوند. آقایان بخصوصی آگاهند که نمی توان امپریالیسم ژاپن را از امپریالیسم فرانسه و آمریکا و دیگر متحدانشان جدا ساخت و این تنها بهانه های بیش برای بازگشت به آغوش امپریالیستها نیست! سردمداران ج ۱۰۱۰ ملاقاتهای دیگری هم با کشورهای "مسلمان" و نوکران حلقه بگوش آمریکا در منطقه داشتند و در چارچوب سیاست های "برادرانه" و "مدت آمیز"، بخش دیگری از بقیه در صفحه ۱۳

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲
 منافع ملی ما را به باد دادند: يك هيئت دوازده نفری از پاکستان به ایران آمده و با امضا یادداشت تفاهمی در زمینه روابط بازرگانی، مأموریت "آمریکایی" خود را به انجام رساند. لازم به یادآوری است که در ادامه اجرای این سیاست، خریدهای ایران از پاکستان، نسبت به گذشته به میزان ده برابر افزایش یافته است.
 از سوی دیگر آقای نبوی نیز از ترکیه دیدار کرد و یادداشتهای تفاهمی با این کشور "دوست" ج ۱۰۱۰ و یارویا و پیمان ناتو به امضا رساند. از مجموعه دیدارهای - تنها - این هفته بخوبی می توان دریافت که سمت سیاست اقتصادی ج ۱۰۱۰ رویه کدام قبله دارد! بخش اعظم مناسبات ایران با کشورهای امپریالیستی و نوکران حلقه بگوش آنها از نوع ترکیه و پاکستان اختصاص دارد. در حالی که مناسبات با کشورهای پیشرویی چون سوریه، لیبی و الجزایر و دیگر کشورهای مترقی، در حد تعارف نگه داشته می شود و اگر فرصتی هم پیش آید، در جهت تیرمتر کردن روابط استفاده می گردد و لاغیر

آقای حسین هاشمیان یکی از استیضاح کنندگان از جمله چنین می گوید:

"امید است این استیضاح نقطه پایانی باشد بر حس قانون شکنی و رابطه گرانی در کشور. . . . در رابطه با تخلفات برخی از استانداردها و فرمانداریها و دوایر دیگر وزارت کشور، اسناد و مدارک قابل توجهی در اختیار است. ما مصلحت چنین دیدیم که مقدار کمی از آنها را در متن استیضاح عنوان کنیم، (توجه کنید!) مطالبی که نقل می شوند، تنها "مقدار کمی" از جرائم وزارت کشور حتی از دیدگاه استیضاح کنندگان است - "راه توده" (و هنگام تشریح و توضیح آنها نیز، ارتباط تخلفات را با وزیر کشور بررسی کنیم و روشن کنیم. دلیل ما این بود که مجریان رده پائین ۵۰۰۰ خط اجرایی خود را از بالا می گیرند و اگر مدیریت وزارت کشور اصلاح شود، آنها نیز ملتزم به اجرای قوانین خواهند شد."

آقای کاظم اکرمی یکی دیگر از استیضاح کنندگان در مورد واگذاری اراضی شهری، موارد زیر را به عنوان جرائم وزارت کشور بر می شمرد:

"حاکمیت رابطه به جای شایسته - رواج فساد در دستگاه شهرداری

است، معرفی کرده و با اشاره به جرائم سنگین ایشان، از مسئولین قضائی کشور بگیری تخلفات وی را تقاضا می کند. پارهای از مواردی که آقای دزفولی ذکر می کنند به شرح زیراند:

"اقدام به خرید سه دستگاه ماشین پیکان به عنوان جهاد مرکز برای خود و برادر خانمشان"

"پرداخت غیر قانونی سه میلیون تومان از تنخواه گردان کمیته کشاورزی چهارم سازندگی، ایجاد مرغداری "توهولی" آقای حسن آخوندی و دو تن از بستگانشان که با او شریک بودند."

"تقلب و سوء استفاده از امکانات و عنوان جهاد از جهت دریافت ۵۲۵۰۰ قطعه چوجه یکروزه"

"بعلت برداشتهای غیر قانونی مالی و سوء استفاده از مهر و مسئولیت خود در جهاد و دریافت تراکتور ۵۰۰ مبلغ حدود دو بیست هزار تومان سوء کسب کرده"

"کسانی که زیر دست آقای آخوندی بودند یا حمایت ایشان سوء استفاده های مالی کردند"

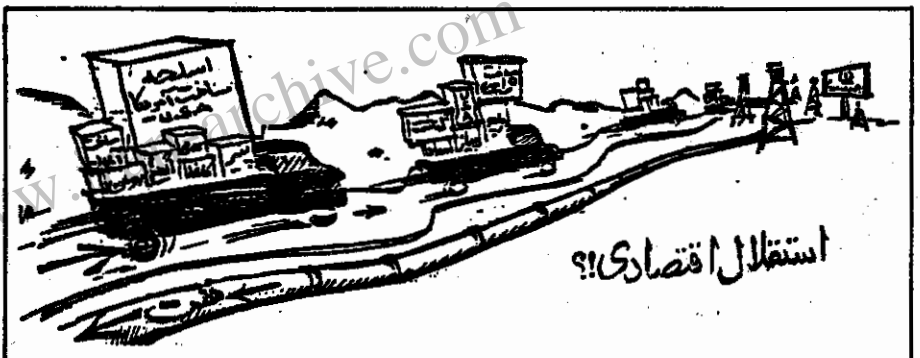
و دهها مورد دیگر ۵۰۰ که در تمامی آنها آقای ناطق نوری وزیر کشور، در مقام حمایت از این شارلاتان، او را از تمام شکایاتی که بر علیه شان به مراکز مختلف فرستاده شد مصون نگه داشتند. جالب اینجاست که همین "مقام معظم" اکنون به سمت معاونت وزارت کشور و مسئول بازسازی مناطق جنگی، فعالانسه، مشغول هر کردن جیب و بستن بار خود است و "صد میلیارد ریال اعتبار بی زیان از طرف آقای ناطق نوری در زیر دستش قرار دارد!"

و

در همین رابطه، بجاست که به نکته دیگری هم اشاره کنیم. سردمداران ج ۱۰۱۰ و دستگاه تبلیغاتی آنان، همگی تقلا می کنند حکومت مسلط بر سرزمین ما را، "تنها حاکمیت بی نظیر" که در آن از "فساد" و "ارتش" و "اختلاس" و ۵۰۰ سایر بیماریهای جوامع "شرق و غرب" خبری نیست، معرفی کنند و همه "طل مستضعف" جهان را به الگو برداری از این "حاکمیت بی همتا" دعوت می کنند. از جمله یکروز پیش از این جلسه، مجلس، روزنامه "صبح آزادگان" - ۱۵ آبان - می نویسد:

"ج ۱۰۱۰ حکومتی متکی به قوانین الهی و شمه خون هفتاد هزار شهید گلگون کفن می باشد ۵۰۰ پس از استقرار ج ۱۰۱۰ شکل حکومت و نحوه روابط در آن آشکار گردیده و فرم جدیدی از نظام های جهانی به بشریت عرضه شد. نظامی که در آن احکام الهی حاکم بوده و تحریف و دروغ و سرکوب و تعلق و ریا و باند بازی جایی ندارد ۵۰۰"

تنها می توان گفت: این رونوشتی است برابر اصل!



استقلال اقتصادی؟!

- ایجاد یأس و پدییی و بی تفاوتی در مردم در اثر عدم اجرای قانون

- تمییز بین مسئولان دولتی و مردم

- از بین رفتن حقوق مسلم شرکتهای تعاونی

مسکن ۵۰۰ مانند تعاونی مسکن کارگران

- پیامدهای ناھنجار اجتماعی - سیاسی و اقتصادی ناشی از واگذاری بی رویه زمین

آقای کاظم اکرمی سپس، با اشاره به نامه های متعدد وزیر مسکن و چند تن دیگر از مقامات و ارگانهای مسئول ج ۱۰۱۰ به شخص وزیر کشور، در رابطه با رسیدگی به فساد در شهرداری تهران و امور مربوط به واگذاری زمین اظهار می دارند که:

"تا آنجا که بنده نتوانم تحقیق کرد نام این نامه ها همماش یا اکثر آنها بدون جواب مانده است"

این خود دلیل دیگری بر حمایت وزیر کشور از باند حاکم بر شهرداری تهران است.

آقای ایرج صفاتی دزفولی، یکی دیگر از امضا کنندگان استیضاح، طی سخنان مشروحی عنصر فاسدی بنام حسن آخوندی را که اکنون به عنوان مشاور وزیر کشور و مسئول ستاد بازسازی مناطق جنگی

رونوشت، برابر اصل!

در شماره های گذشته "راه توده" جریان استیضاح وزیر کشور، توسط ده های از نمایندگان مجلس و سپس رد موارد استیضاح، زیر فشار راستگرایان و شخص ریاست مجلس را، به اطلاع خوانندگان خود رساندیم.

مجموعه سخنان استیضاح کنندگان که در ۲ صفحه کامل روزنامه "کیهان" مورخ ۱۶ آبانماه ۶۲ درج شده است، از کارنامه سیاه سراسر فساد، ارتشا، باند بازی و خیانت به آرمانهای مردم وزارت کشور پرده بر می گیرد.

"راه توده" به دلیل کمبودجا از تجدید چاپ کامل این سخنان معذور است. از این رو خلاصهای از آن را فهرست وار نقل می کنیم. با توجه به اینکه خلاصه مطالب مذکور از وزن سنگین جرائم وزارت کشور می کاهد و بر نقش مؤثر افشای آنها خدشه وارد می سازد، امید داریم خوانندگان ما متن کامل گزارشات این جلسه مجلس را از روزنامه های مجاز ایران مطالعه کنند.

متحد شویم! در دفاع از انقلاب بیا خیزیم!

بقیه از صفحه ۹

بمثابه یک نیروی عملاً موجود اجتماعی وجود دارند. هیچکس نمی تواند موجودیت تاریخی و بالفعل این جریان را بمثابه یک نیروی اجتماعی انکار کند. نیروهای سرکوبگر حکومت پس از انقلاب و ساواکی هاقبل از انقلاب تلاش زیادی کرده اند که این نیرو را نابود شده و ناموجود جلوه دهند. اما تجربه نشان داده است که حتی اگر سازمان مجاهدین بوسیله نیروهای دیگری تسخیر شود و یا به بیراهه کشیده شود باز مجاهدین با آرمانها و ایده آل های خاص خود وجود خواهند داشت.

موجودیت مجاهدین خلق نیز قبل از همه از موجودیت اقتدار اجتماعی معینی نشأت گرفته است که تمایلات ضد امپریالیستی و مردمی دارند. هم اکنون طیف وسیعی از افشار روشنفکری و لایه های میانی کشور ما، محصلین، دانشجویان، معلمین و بخشهای وسیعی از کارمندان، لایه هایی از پیشروان بخصوص در مناطقی که از رشد اجتماعی و فرهنگی بیشتری برخوردارند ایده آلها و آرمانهای سیاسی و اجتماعی خود را در تعالیم آیت الله طالقانی و اندیشه های مجاهدین جستجو می کنند.

در سال ۱۳۵۴ زمانی که گروه مائوئیست شده ای در درون سازمان مجاهدین خلق با یک حرکت کودتایی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین را اعلام کرد. رفقای ما بر این مسئله اساسی تاکید داشته اند که اقتدار اجتماعی معینی با ادامه حمایت مادی و معنوی خود از آرمانهای مجاهدین ادامه حیات این سازمان را بمثابه یک نیروی اجتماعی میسر می سازد. ما در آن زمان تاکید داشتیم که "پیکاری شده" های مجاهدین خلق نخواهند توانست خاستگاه اجتماعی مجاهدین را هم از آن خود سازند. آنها به قطع پیوندهای خود با این خاستگاه ناچار خواهند بود و این خاستگاه ضرورتاً نمایندگان سیاسی خود را در قالب همان سازمان مجاهدین خلق و یا تحت نام دیگری اما با موضوعی منطبق یا کم و بیش نزدیک به مواضع عقیدتی مجاهدین انتخاب خواهند کرد. این ارزیابی کاملاً درست بود. امروز نیز مجاهدین خلق را بمثابه یک نیروی اجتماعی که ایده آلهای ضد امپریالیستی و مردمی دارد، نه می توان نادیده گرفت، نه میتوان منحل اعلام کرد.

این مسئله که مقام و موقعیت آنان در جنبش رهایی بخش ملی ما چه باشد مسلماً بستگی به مشی سیاسی، مناسبات آنها با سایر نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی، شعارها و اشکال مبارزه، آنها دارد. در حال حاضر مناسبات توده، هواداران صادق خط ابامی که از قانون دفاع می کنند با توده هوادار آرمانهای مجاهدین بسیار خصمانه و کینه توزانه است. آنها در راه نابودی یکدیگر تلاش می کنند. آنها هیچکدام ماهیت خلقی یکدیگر را قبول ندارند. سازمان ما در راه حل این مسئله مهم اجتماعی تلاش کرده، می کند و خواهد کرد. چنانکه می دانید ما و مجاهدین خلق سالها روابط بسیار نزدیک و برادرانه ای داشته ایم. آنها برای نزدیک به ده سال نزدیکترین متحد ما بوده اند. اما این نزدیکی متأسفانه در سالهای اخیر ادامه نیافت و آنها به موضعی غلطیدند که در عمل موجب تضعیف نیروهای ضد امپریالیستی خلق شد. سازمان ما بسیار کوشید که چنین نشود. حتی می توانم بگویم حداکثر نیروی خود را بکار گرفت که مجاهدین جایگاه واقعی خود در جنبش خلق را خالی نگذارند. روح نامه دیماه ۱۳۵۹ ما به مجاهدین آینه روشنی از همین حقیقت است. گرچه این تلاشها در آن زمان اثر نکرد، اما دست کم زمینه ای ساخت که اقدامات واقعی ملاک ارزیابی حقایق تاریخی قرار گیرند.

آنچه مجاهدین را از ما دور کرد در وهله اول خط مشی سیاسی آنها و تحلیل آنها از اوضاع سیاسی کشور بود. رهبری مجاهدین حکومت را یکدست و ستیز درونی آن برای تعیین راه آینده جمهوری اسلامی ایران را انکار می کرد و در اوج مبارزه میان نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی حاکمیت با نیروهای طرفدار سرمایه داری و غرب خط مشی دفاع از نیروهای طرفدار سرمایه داری و خواهان دوستی با امپریالیسم را برگزید. آنها بر پایه یک ارزیابی عمیقاً ذهنی و سکتاریستی از اوضاع سیاسی کشور به سیاست تروریسم که آشکارا مورد حمایت و تشویق امپریالیسم آمریکا بود روی آوردند. تصور رهبری مجاهدین این بود که نظر اکثریت مردم نسبت به حکومت تغییر کرده و طرفدار آنها شده است بنابراین اولاً "حکومت مشروعیت مردمی"

بقیه در صفحه ۱۵

سیاست هم هست. در این ابام مباحثات ایدئولوژیکی کاملاً بر حرارتی حوزه های علمیه سراسر کشور را فرا گرفته است. این دیگر پنهان کردن نیست که بخش معینی از پیروان خط امام با پذیرش آخرین ایده های آیت الله مطهری درباره نظام سرمایه داری و اقتصاد اسلامی و نظرات ملا محمد باقر صدر به نتایج تازه ای درباره نظام سرمایه داری و جای آن در فقه اسلامی دست می یابند. نتایجی که مورد تکفیر و مخالفت روحانیت محافظه کار و راستگرا قرار گرفته است. آنها تمام حربه های ایدئولوژیکی، سیاسی و روانی را بکار گرفته اند تا چماق تکفیر را بر سر روحانیونی که نظام سرمایه داری را خلاف تعالیم اسلامی اعلام می کنند، وارد آورند.

من فکر می کنم این مبارزه ادامه خواهد یافت. روحانیت شیعه ایران به استقبال تشدیدگرینا پذیر تضادهایی می رود که جامعه را می شکند. بخصوص که روحانیون، خود گرداننده سیاست کشور هستند. تمام حقایق عینی می گویند که تضاد طبقاتی در دستگاه روحانیت بر وحدت منافع صنفی آن غالب است و صف دوستان و دشمنان خلق از میان صف روحانیون هم عبور می کند.

در همین جا اعلام می کنم که علیرغم تهمنهایی که به ما می زنند سازمان ما هرگز یک سازمان "صدروحانیت" نبوده است. ما همیشه با روحانیت راستگرا، محافظه کار و طرفدار سرمایه داری و امپریالیسم مخالف بوده ایم و با آن مبارزه کرده ایم. ما همیشه از روحانیون مترقی، ضد امپریالیست و طرفدار مردم حمایت کرده ایم و در آینده نیز خواهیم کرد.

در هر حال بخشی از نیروهای ضد امپریالیست و مردمی ایران را باید در میان نیروهایی جستجو کرد که تا امروز تحت عنوان خط امامی شناخته شده اند. در اینجا صحبت صرفاً بر سر موجودیت بالفعل این نیروست. موقعت آن نیرو، اینکه تا چه حد بتواند متشکل بماند، ظرفیت های آن در انقلاب، هويت رهبری آن و بخصوص حد اعتماد توده مردم به آن همه و همه مسائلی است که فعلاً نمی توان به آن پاسخ قطعی داد.

سازمان ما با حساسیت و دقت تحولات جاری در نیروهای خط امام را دنبال می کند. سازمان ما بنا بر مشی انقلابی خود طبعاً از آن دسته از خط امامیها که بعلت عدم ترک مواضع ضد امپریالیستی و مردمی زیر فشار حکومت قرار می گیرند و تن به مصالحه نمی دهند، حمایت میکند. سازمان ما از آنها دعوت می کند در برابر سنگبری نامردمی سیاست حاکم از خود ایستادگی نشان دهند.

امروز شرط وفاداری آنان به مواعیدی که به مردم داده اند آنست که به مردم نشان دهند با آنچه در کشور رخ می دهد نه موافقت و نه مسئولیت آنرا بر عهده دارند. آنها اگر امروز به هر نحوی از انجا این مسئله را برای مردم حل کنند می توان امیدوار بود که بعنوان یک جریان سیاسی و اجتماعی در جامعه مطرح باشند و گرنه فردا، زمانی که فشار از پایین بحران را در بالا گسترش داد و پایه های حکومت را سست کرد دیگر بسیار دیر خواهد بود که ایشان مردم را در ساراه اعمالی که کرده اند قانع کنند. در غیر این صورت آنها می توانند به گروه روحانیونی محدود شوند که در حوزه های علمیه "بحث طلبگی" می کنند. همانطور که گفتیم الان بیشترین توجه حکومت هم مصروف اینست که جلوی تکوین مجدد یک جریان مستقل مردمی را که ادامه دهنده راه "خط امام" اصیل باشند بگیرد.

اعلام موضع بقایای خط امام درباره سیاست فعلی کشور البته فقط گام اول است. از آن پس مقام و موقعیت آن در مبارزات ملی - دموکراتیک و مناسبات آن با دیگر نیروهای خلقی بستگی به این خواهد داشت که آنها تا چه حد از راهی که پیموده اند پند بگیرند و ضعفها و اشتباهات خود را جبران کنند. تجارب پنج ساله باید به این نیروی صادق مردمی که با اندیشه های اسلامی مبارزه می کند بیاموزد که برای ادامه راه ۲۵ ساله، تلاش در راه جبران نقطه ضعفها یک شرط بسیار جدی است. سازمان ما همانگونه که در گذشته نشان داده است از برداشتن این گامها استقبال می کند و خود نیز میکوشد آنان را در این راه یاری دهد.

درباره مجاهدین خلق نیز قبل از هر چیز باید گفت که آنان نیز

متحد شویم! در دفاع از انقلاب بیاخیزیم!

بقیه از صفحه ۱۴

ندارد و آنها حق دارند قیام کنند، ثانياً در این قیام با حمایت مردم پیروز خواهند شد. حکومت را سزگون و خود قدرت را بدست خواهند گرفت و بورژوازی طرفدار غرب ضعیفتر از آن است که بتواند برنده جنگ برادرکشی میان دو نیروی صدامیریالیست گردد.

تجربه رویدادهای دوسه سال اخیر گویاتر از هر تحلیل و استدلالی نادرستی این تحلیلها را ثابت کرده است. رویدادها نشان می دهند که امیریالیستی خوب می دانستند چنانچه مجاهدین علیه نیروهای صدامیریالیستی حکومت قیام کنند، اگر این کار و سایر توطئه های امیریالیستی به غلبه ضدانقلاب منجر نشود دست کم جنبه نیروهای صدامیریالیستی را بشدت تضعیف و مواضع نیروهای محافظه کار و راستگرا را در حاکمیت و در کشور بشدت تقویت خواهد کرد. و بدیدیم که چگونه این درگیری در جهت تضعیف نیروهای ضد امیریالیستی کشور، در جهت گشوده شدن راه برای غلبه سیاست راست بر کشور تاثیر کرد. ما امروز هم فکری کنیم که اگر خصومت میان کسانی که آرمانهای مردمی را دنبال می کنند ادامه یابد این وضع باز هم بیشتر به تقویت مواضع ارتجاع کمک خواهد کرد. ما فکر می کنیم اکنون که جهت سیاست حاکم بر کشور ما بسود امیریالیست ها تغییر کرده است در سیاست امیریالیسم هم نسبت به نیروهای سیاسی کشور ما نیز لزوماً تغییراتی پدید آمده و درآینده نیز بیش از این پدید خواهد آمد... این احتمال وجود دارد که حمایت امیریالیست ها و رژیمهای ارتجاعی از نیروی براندازی جمهوری اسلامی بشکل سابق ادامه نیابد نیروهای سزگون شده بورژوازی هم طبعاً از سیاست امیریالیسم در سرخورد با جمهوری اسلامی ایران پیروی می کنند. این شرایط مجموعاً در مسیری تحول پیدا می کند که تاثیر عملی فعالیت مجاهدین خلق نیز بمثابة یک نیروی اجتماعی عظیمت سابق خود را از دست بدهد. ما از نقاط ضعف در دیدگاههای نیروهای رهبری کننده انقلاب صحبت کردیم. درباره مجاهدین البته این ضعفها به این شکل مطرح نیست ظرفیتهای ایدئولوژیکی قابل ملاحظه ای را می توان در آنها جستجو کرد. از لحاظ بافت عقیدتی مجاهدین افکار مترقیانه ای دارند، تصویر آنان از جامعه عدالت اجتماعی دارای جنبه های واقعی بسیار است، دکامتیس مذهبیه مانع دستیابی آنان به برنامه عمل اجتماعی معینی نیست. بعلاوه، متشکل و سازمان یافته عمل می کنند و این یک مزیت انکارناپذیر است.

مرحال ما میخواهیم امیدوار باشیم که این ظرفیتهای عقیدتی، اجتماعی و سازمانی موجب گردد که مجاهدین خلق جای فایسته خود را در مبارزه بخاطر بسیج همه ظرفیتهای صدامیریالیستی کشور برگردند. و مبارز راه اتحاد این نیروها گردند.

ما حل مسئله ملی فقط به حل مسئله کردستان محدود نیست. ما خواهان رفع ستم ملی از همه ملت های غیر فارسی هستیم.

در سالهای پس از انقلاب امیریالیسم و نیروهای ارتجاعی منطقه و داخل کشور سرعت تلاش کردند که به مبارزه در راه حل مسئله ملی در کردستان سقت دیگری بدهند. آنها کوشیدند شمارهای عفرقه افغانانه و ناممکن را به نیروهای سیاسی کشور ما تحمیل کنند، آنها از ضعفهای رهبری و نفوذ وسیع عناصر ضدانقلاب در ارگانهای حاکم و همچنین در کردستان استفاده کردند که مسئله کردستان را به یکی از دشواریهای دردناک و فاجعه آمیز انقلاب بدل سازند. آنها در این کار موفقیت زیادی هم بدست آوردند.

اکنون پس از تغییرات سیاست حاکم بر کشور ما مصائب مردم کردستان باز هم بیشتر و مسئله کردستان با حدت بازم بیشتر بر جای خواهد ماند. دولتهای سه کشور ایران، ترکیه و عراق در سرکوب جنبش ملی در کردستان عملاً همکاری می کنند. باید انتظار داشت که پس از تغییر سیاست حاکم بر کشور و تغییر سیاست امیریالیسم و ارتجاع نسبت به حاکمیت در ایران در صف نیروهای سیاسی فعال در کردستان هم تغییرات گریزناپذیری روی دهد. مطالعه سیر مناسبات نیروهای سیاسی کردستان عراق و حتی حقایق همین چندساله اخیر کردستان ایران بخوبی ثابت می کند که با حاکم شدن سیاست ارتجاعی بر کشور زمینه برای جدائی صف نیروهای پیشرو و مرتجع در جنبش ملی نیز فراهم می شود. در هر حال رویدادهای کردستان در ایران، عراق و ترکیه هرچه باشد، با اطمینان باید گفت که جنبش ملی در کردستان همچنان وجود و ادامه خواهد داشت. ثالثاً سازمان ما همچنان به حمایت از خواست برحق مردم کردستان برای تامین حق خودمختاری اداری و فرهنگی ادامه می دهد. سازمان ما سرکوب فضاوت کارانه مردم کردستان را محکوم می کند. سازمان ما همه محافل ترقی خواه خلق کرد را به اتحاد با همه نیروهای صدامیریالیستی و مردمی کشور دعوت می کند.

رویدادها در کشور ما، چهارسال پس از یک انقلاب خونبار که به قیمت ایتار حماسی توده های مردم زحمتکش ما به پیروزی رسید در مسیری سیر می کند که تاریکی آینده آن غشم و اعتراض هر سپهر پرست واقعی را علیه کسانی که کشور را به این سمت می برند برمی انگیزد. برای نجات سپهری که جان صدها هزار از بهترین فرزندان خود را قربانی استقلال و آزادی آن کرده است، باید خیلی بیشتر از اینها فداکاری کرد و امروز هیچ فداکاری از این ارزشمندتر نیست که همه کسانی که با این مردمنده و می خواهند با مردم باشند با هر فکر و عقیده ای که هستند بگوشند تجربه راهی را که رفتماند وسیله جبران ضعفها و اشتباهات آن سازند. اکنون گرچه انقلاب در سراسر برگشت می افتد، اما نیک پیداست که این نمی تواند و نباید بتواند گسیختگی و انحراف را در جنبش خلق دامن زند. ما می خواهیم امیدوار باشیم که سقوط بسیاری از کسانی که تا دیروز از مواضع ضد امیریالیستی دفاع می کردند مایه جبران ضعفها و اشتباهات و رشد آگاهی بیشتر کسانی گردد که هنوز صداقت خود را حفظ کرده اند و می خواهند در صف مردم باشند. ما باید از آنچه رخ داده است عمیقاً درس بگیریم و عمیقاً بخاطر بسیاری که عمده ترین دلیل سربس انقلاب آن بود که رهبری این انقلاب موفق - اولین درس انقلاب را که اتحاد همه نیروهای خلقی است، بکار گیرند.

برای مردم ما که روزهای تلخ و تاریکی در پیش روی خود می بینند چه چیز شادمانه تر از اینکه بشنود همه آنان که میخواهند در راه وی کام بردارند همه در یک صف، در یک جبهه ما هم متحدند. به یقین باید گفت که اگر جبهه متحد خلقی از دل رویدادهای آتی سپهر ما فرا روید می گمان طرد کسانی که رای و اعتماد مردم را وسیله بر باد دادن انقلاب و مسلط کردن دشمنان مردم قرار دادمانند، خیلی زودتر از آنچه تصور می کنیم فرا می رسد.

جنبش ملی مردم کردستان نیز در طول تمام سالهای معاصر تاریخ سپهر ما در دوره سالهای حکومت ستم شاهی بخشی از جنبش ضد امیریالیستی و مردمی تمام خلقی ما بوده است. این جنبش که در آن سالها با خواست خودمختاری برای کردستان و دموکراسی برای ایران شناخته شده است نه تنها در بیداری خلق کرد بلکه در تقویت مجموعه مبارزات مردم کشور ما نقش داشته است.

سازمان ما در تمام طول سالهای حیات خود مبارزه در راه رفع ستم ملی از مردم کردستان و تامین حقوق و خواسته های برحق خلق کرد را جزو وظایف انقلابی خود دانسته است، برنامه سازمان خواستار اعطای خودمختاری اداری و فرهنگی به مردم کردستان است. ما تامین این خواست مشروع و عادلانه را یکی از ضروریات و نیازهای بگلی غیرقابل انکار کشورمان شناخته ایم. البته در سیاست و برنامه سازمان

چشم انداز تیره امر آموزش زنان

بقیه از صفحه ۵
از نیروی کارشان، شخصیتی مستقل در اجتماع داشته باشند.
تردیدی نیست که ادامه این وضع، جسز

فلاکت و بدبختی برای جامعه و امر آموزش کشور، چیز دیگری به ارمان نخواهد آورد. چشم انداز تیره، چنین "اقدامات" و "برنامه های" که راستگرایان و تسلیم طلبان، در اجرای آن، اینهمه "سخت کوشی" از خود نشان می دهند، از هم اکنون پیداست. برای آنان که همه ارزش و اعتبار زن را در حد

"تعلیم در سطح پائین" خلاصه می کنند البته که چنین چشم اندازی، نگران کننده نیست این، تنها برعهده زنان آزاده و افتخار آفرین ماست که علیه تزییقات و حق کشی های حاکمیت متحد شوند و برای حفظ انقلاب خود - که در صورت اجرای مضمون ملی - دموکراتیک آن، حقوق آنان نیز تأمین می گردد - از هر امکانی سود جویند.



تدارک هجوم به لبنان و سوریه

همزمان با تهدیداتی که از سوی دولت آمریکا علیه جنبش آزادی بخش ملی اعراب اعمال می شود، همه روزه هواپیماهای جنگی آمریکا که از ناوهای هواپیمابر به پرواز درمی آیند، بر فراز بیروت و دیگر مناطق لبنان ظاهر می شوند. در عین حال، پنتاگون در آبهای ساحلی لبنان نیروهای قابل ملاحظه‌ای را متمرکز کرده است. تا کنون بیش از سی کشتی جنگی و ۳۰۰ هواپیما در آبهای ساحلی لبنان موضع گرفته اند که در آنها حدود ۳۰ هزار سرباز زیاد نظام دریایی آمریکا مستقر هستند. شواهد حاکی از آنست که آمریکا خود را برای عملیاتی در مقیاس وسیع علیه لبنان و همسایه اش سوریه آماده می سازد. اسرائیل نیز، که با متحد "استراتژیکی" خود بگونه‌ای هماهنگ عمل می کند، این روزها، به بزرگترین آموزشهای نظامی خود - از پنج سال پیش به این طرف - دست زده است. دهها هزار تن از نیروهای ذخیره بنا به دعوت رادیو تلویزیون در نقاط معین گرد آمدند تا در این آموزشها شرکت کنند. تدارک و انجام این آموزشها، زیر شعارهای ضد لبنانی و ضد سوری انجام گرفت. دیروز گرنادا، امروز لبنان و فردا ۲۰۰۰؟ امپریالیسم متجاوز آمریکا استقلال و امنیت تمامی خلقها را به بازی گرفته است.

خطر تجاوز به نیکاراگوئه افزایش می یابد

ویکتور تیرارو، یکی از رهبران نیکاراگوئه، طی میتیگی به خاطر بزرگداشت کارلس فونسکا از پایه گذاران جبهه، ساند نیستی، که ۷ سال پیش شهید شد اظهار داشت: ایالات متحده آمریکا یک ارتش ۲۵ هزار نفری در هندوراس، برای حمله به نیکاراگوئه مجهز و آماده کرده است.

ریگان رئیس جمهور آمریکا قصد دارد نقشه‌های خود را مبنی بر نابود کردن انقلاب نیکاراگوئه، نخست به کمک دولت‌های دست نشانده خود در منطقه یعنی هندوراس، گواتمالا و السالوادور به مرحله اجرا در آورد. اگر ارتشهای دست نشانده این سه کشور و باند های مزدور سوموسا در تجاوز خود ناکام شوند آنگاه ارتش ۲۵ هزار نفری آمریکا هم وارد عمل خواهد گردید. تدارک برای تجاوز به انقلاب نیکاراگوئه اینک با شدت ادامه دارد. یکی از نقاط مورد نظر که احتمالاً ضربه از آنجا وارد خواهد شد، اطراف دو روستای مرزی است که هم اکنون سه هزار مزدور سوموسا و ۲ هزار سرباز هندوراس در آنجا مجتمع شده اند. در عین حال آمریکا می کوشد با سازمان دادن باقیمانده مزدوران سوموسا و نیروهای ارتجایی و خائسان، یک جبهه داخلی نیز علیه دولت انقلابی بوجود آورد.

ویکتور تیرارو تأکید کرد که خلق نیکاراگوئه آماده است پاسخ دندان شکنی به متجاوزان امپریالیسم و مزدوران پد همد و از دستاوردهای انقلاب ساند نیستی دفاع نماید.

دولت دست نشانده پوشالی برای گرنادا

امپریالیسم آمریکا که با آتش و بمب، مقاومت خلقی کوچک ولی قهرمان را در هم شکسته، اینک می خواهد به تجاوز خود شکل "قانونی" ببخشد. به اصطلاح "دولت موقت گرنادا" را برمسند قدرت بنشاند. قرار است "سکون" فرماندار سابق انگلیسی که اینک همکار متجاوزان آمریکائی شده است - ترکیب این دولت را اعلام کند. وی و اربابانش شخصی بنام "ماکین تایر" را بعنوان "نخست وزیر" در نظر گرفته اند. "تایر"، کارمندی یکی از ادارات سازمان ملل متحد است. این "دولت موقت" وظیفه دارد که حضور نظامی آمریکا در گرنادا را همیشگی سازد و این جزیره را به پایگاه نظامی پنتاگون در جنوب دریای کارائیب بدل کند. چهره متجاوز و جنایتکار امپریالیسم آمریکا

برای تمامی کشورهای منطقه آشکار شده است. و هیچ دولت مردمی و مردم کشورهای جهان به گفته‌های عوامفریبانه مقامات رسمی واشنگتن یاور نمی کنند. هفته گذشته، ریگان گفت "محض فراهم شدن امکانات فنی" سربازان آمریکائی از گرنادا خارج خواهند شد ولی بلافاصله و این برگر روشن کرد که دولت وی در صد دست گرنادا را به یک سرپل تجاوز بدل سازد. امپریالیسم آمریکا، پای در جای پای هیتلر می نهد و پایمال کردن استقلال و آزادی خلق های کوچک صلح دوست برای این غول نظامی تا دندان مسلح، البته کار پیش پا افتاده ایست. ولی بهتر است ریگان، بار دیگر پایان کار هیتلر را بخاطر بیاورد.

دفاع از حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۲
الطی گردیده است و در پایان، طی فراخوانی، از کلیه شعبات و اعضای "شورای صلح ایالات متحده آمریکا" دعوت به عمل آورده که با اقدامات گوناگون، بانگ اعتراض خود را بر علیه جنایات حکومت ج ۱۰۱۰ پرنشین تر سازند!

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در لوس آنجلس هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

رفیق عزیز! ۵۰۰۰ دلار کمک مالی شما بدستمان رسید. یک زن و شوهر جوان هوادار از لندن ۲۰ پوند

FIDEF aus Bielefeld 100,-DM
W.Schneider Radevormwald 100,-DM
Felix aus Bielfeld 150,-DM

RAHE TUDEH
No. 68
Friday, 18 Nov. 83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:
England 30 P.
West-Germany Belgium 22 Fr.
1 DM Italy 600 L.
France 3 Fr. U.S.A. 40 Cts.
Austria 8 Sch. Sweden 3 Skr.

برای آبنه شدن، راه توده، در خارج از کشور، فرم زیر را پر کرده و به همراه رسید بانکی (بهای اشتراک) به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

حساب بانکی:
Postscheckamt
6000 Frankfurt
Konto Nr. 633 97 - 602
Bankleitzahl 50010060

آدرس پستی:
Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

بهای اشتراک:

سه ماهه	<input type="checkbox"/>	معادل ۲۵ مارک
شش ماهه	<input type="checkbox"/>	۵۰
یکساله	<input type="checkbox"/>	۱۰۰

آدرس: